

Explaining Power Mechanism in the Preparation and Implementation of Urban Development Plans; The University of Tehran Development Plan as a Case Study

Mojtaba Rafieian*

Professor of Urban Planning, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Zahra Rahmati

MA of Urban Planning, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Hashem Dadashpoor

Associate professor of urban planning, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Abstract

Today, with the spread of urbanization, we witness more and more the space of competitive logic and development in the world around us. In other words, it can be said that what we deal with in the form of various plans and programs is considered representative of the mentioned logic. As an example of these development plans and programs, this article uses the qualitative grounded theory method. It describes the conflict space formed around the University of Tehran's development plan. The research findings show that in this field, through an intertwining of academic rationality and power networks, the knowledge concerned with the public good is produced and creates the issue necessary here to develop a green, entrepreneurial, and Entrepreneur university. At the same time, this particular knowledge generated by power relations is legitimized. This is where the logic of development is reproduced in a specific spatial form. One of the commonalities of this spatiality in the general concept of development logic is the types of dispossession and gentrification. This expropriation, along with all the exercise of power, leads to resistance from the residents of the Vesal neighborhood. Finally, the set of these multiple forces is drawn around the University of Tehran's development plan. The relationship between the plan's claims and the reality field is measured using the methodology.


Keywords: Production of Space, Political Economy of Space, Expropriated Property, University of Tehran Development Plan.


Corresponding Author: rafiei_m@modares.ac.ir


How to Cite: Rafian, M, Rahmati, Z, Dadashpoor, H. (2022). Explaining Power Mechanism in the Preparation and Implementation of Urban Development Plans; The University of Tehran Development Plan as a Case Study, *Journal Urban and Regional Development Planning*, 7 (20). 41-83.

تبیین روابط قدرت در تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری؛

نمونه مطالعاتی طرح توسعه دانشگاه تهران

مجتبی رفیعیان*  استاد شهرسازی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

زهرا رحمتی  کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

هاشم داداش‌پور  دانشیار شهرسازی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

چکیده

امروز با گسترش شهری شدن، بیش‌ازپیش شاهد فضا‌مند شدن منطق رقابتی و توسعه در جهان پیرامون هستیم. به بیانی دیگر می‌توان گفت آنچه در قالب انواع طرح‌ها و برنامه‌ها بدان‌ها برخورد می‌کنیم، به نوعی نماینده منطق نامبرده تلقی می‌شود. به‌عنوان مصداقی از این طرح‌ها و برنامه‌ها، این نوشتار به ترسیم فضای منازعه شکل گرفته پیرامون محدوده طرح توسعه دانشگاه تهران با بهره‌گیری از روش کیفی گرانددتوری می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، به‌واسطه در هم تنیدگی عقلانیت آکادمیک و شبکه‌های قدرت، دانشی که دغدغه خیر عمومی دارد، تولید می‌شود و مسئله را که در اینجا ضرورت بخشی به ایجاد دانشگاه سبز، کارآفرین و هوشمند است، خلق می‌کند. به‌طور هم‌زمان این دانش خاص تولیدشده توسط روابط قدرت مشروعیت بخشی می‌شود. اینجاست که منطق توسعه در فرم فضایی خاصی بازتولید می‌شود. یکی از وجوه اشتراک این فضا‌مندی در مفهوم عام منطق توسعه، انواع سلب مالکیت‌ها^۱ و برون‌رانی‌هاست. این سلب مالکیت در کنار همه اعمال قدرت‌ها، مقاومت‌هایی را از سوی اهالی محله وصال در پی دارد. در نهایت مجموعه این نیروهای متکثر دخیل و شکل گرفته حول طرح توسعه دانشگاه تهران ترسیم شده و با اتکا به روش‌شناسی نسبت ادعاهای طرح مذکور با میدان واقعیت سنجیده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: تولید فضا، اقتصاد سیاسی فضا، سلب مالکیت، برون‌رانی، طرح توسعه دانشگاه تهران

مقدمه و بیان مسئله

همان‌طور که نظریه‌پردازان اقتصاد سیاسی تأکید می‌کنند، لازمه تحلیل مسئله‌های شهری درک چرایی و چگونگی شکل‌گیری فضا به‌طور عام است. در سال‌های اخیر چرخشی از پرسش‌های مربوط به زمانمندی به پرسش‌های مربوط به فضامندی رخ داده است. بسیاری از این شیوه‌های تصور کردن، درک کردن و زیستن فضا پویایی‌های نابرابر جامعه انسانی را نشان می‌دهند. فضا را می‌توان از لحاظ اقتصادی به‌عنوان شکلی از مالکیت، به‌ویژه به‌واسطه مفهوم زمین؛ به‌سان مسئله استراتژیک زمین و همچون برداشتی سیاسی از قلمرو فهمید (کیچن و تریفت، ۱۳۹۷) نوشتار حاضر به‌عنوان نقطه آغاز تحلیل، از بنیادین‌ترین مفهوم در مطالعات شهری، یا همان فضا آغاز می‌کند. شهرسازی از دهه ۶۰ تاکنون از یک ایدئولوژی غالب بهره می‌گیرد و آن تعریف مجموعه‌ای از دانش‌ها به‌عنوان علم فضا^۱ است (Lefebvre, 1991: 8).

لایه زیرین این رویکرد از این‌قرار است که فضای برنامه‌ریزی شده امری ابژکتیو^۲ و ابژه‌ای علمی است و ماهیتی خنثی دارد. فضا در این نگاه که مبنای نظریه‌پردازی در گفتمان غالب شهرسازی است، ادعا می‌کند که از فلسفه و روشی مانند علم ریاضی به‌عنوان امری غیرسیاسی بهره می‌برد. این عقلانیت پوزیتیویستی فضا را به‌گونه‌ای در نظر می‌گیرد که گویی فرمی تهی و نسبت به آنچه درونش رخ می‌دهد خنثی و بی‌تفاوت است (همان). در مقابل خوانش غالب از مفهوم فضا به‌مثابه ابژه‌ای علمی، اندیشمندانی در گفتار انتقادی هستند که در مقابل این فهم از فضا بر سویه‌های سیاسی آن تأکید می‌کنند.

از همین رو در این گفتار چنین بیان می‌شود: از آن‌رو که چگونگی بازنمایی فضا پیامدهایی برای چگونگی استفاده از آن دارد، لذا پاسخ به پرسش‌هایی چون به چه منظورهایی، از سوی چه کسی، چه زمانی و چرا ضروری است. به همین دلیل باید به بازنمایی‌های فضا همچون منظومه‌هایی از قدرت، دانش و فضامندی اشاره کرد که نظم

1. Science of Space
2. Objective

اجتماعی مسلط، به گونه‌ای مادی در آن حکم می‌شود و به‌طور ضمنی، مشروعیت می‌یابد (Zieleniec, 2007).

فضاهای شهری هم‌زمان که به‌واسطه منطق توسعه و در چارچوب گفتار غالب در حال تسخیر شدن هستند، به‌عنوان مهم‌ترین عرصه‌های شکل‌گیری کنش جمعی، عاملیت، مقاومت و در یک کلام قلمروی امکان نیز محسوب می‌گردند و همواره واجد بالقوگی‌هایی است. در این معنا فضا- و در این پژوهش فضای طرح توسعه دانشگاه تهران- به‌عنوان قلمرو امکان و سیاست ورزی برای افراد تلقی می‌گردد که از یک طرف در حال قلمرو زدایی به‌واسطه طرح توسعه و از طرف دیگر در حال تولید قلمرو یا قلمروسازی توسط اهالی محله دانشگاه تهران است. در این معنا ما در محدوده طرح با یک فضای منازعه مواجه هستیم. منازعه‌ای که در نهایت به فرم خاصی از تولید و خلق فضا منتهی می‌شود.

در پژوهش پیش رو در جای‌جای متن که سخن از فضا به میان می‌آید، مقصود «فضا به‌مثابه برساخته‌ای اجتماعی» است. بدین معنا که فضا صرفاً در معنای کالبدی آن مقصود پژوهش نیست. چرا که اگر فضا را چنین یک‌جانبه بفهمیم، نمی‌توانیم اساساً منازعه را به‌عنوان عاملی بر سازنده در ارتباط با فضای مورد مطالعه مفهوم‌پردازی و صورت‌بندی کنیم. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش‌شناسی کیفی تلاش می‌کند اثرات طرح‌های توسعه شهری بر زندگی شهروندان را از منظر برون‌رانی فضایی در محدوده مطالعاتی طرح دانشگاه تهران به‌واسطه مراجعه به میدان و مصاحبه با گروه‌های حاضر در فضا شناسایی و تحلیل کند.

قابل ذکر است که در اینجا جریان مصاحبه‌های میدانی در حد ۶۶ نفر به اشباع نظری رسیده و در نهایت پس از شناسایی ۵ شاخص از جمله منطق توسعه، گفتار آکادمیک، شبکه‌های قدرت، سلب مالکیت و برون‌رانی و مقاومت محلی، به تحلیل آن‌ها و چگونگی تأثیرگذاری‌شان بر زیست افراد در فضا پرداخته شده است. بر همین اساس چنانچه طرح توسعه دانشگاه تهران در گفتار غالب روایت گردد، پژوهشگر در دام تقلیل‌گرایی خاص این رویکرد خواهد افتاد که در بهترین حالت می‌تواند تأثیرات کالبدی این طرح را بررسی کند.

ولی در اینجا پژوهش قصد دارد منطق طرح توسعه دانشگاه را که در گفتار غالب به‌مثابه یکی از سیاست‌های توسعه فضا تلقی می‌گردد، مورد نقد و بررسی قرار دهد. در این راستا ضرورتاً با چنین پرسش‌هایی مواجهه می‌شویم که چه نیروها و روابطی حول و حوش این طرح وجود دارند و طرح‌هایی چون طرح توسعه دانشگاه تهران از چه نیروهایی نشأت می‌گیرند؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، نوشتار ابتدا از امر کلی آغاز می‌کند، سپس خاص بودگی‌های فضای پژوهش را نشان می‌دهد و در نهایت مجدداً آن را به امر کلی پیوند می‌دهد.

توضیح اینکه در این نوشتار تلاش شده است هم‌زمان با پرداختن به مسئله فضا و شهر (در اینجا محدوده طرح توسعه دانشگاه تهران) به‌مثابه یک امر کلی در مناسبات، روابط ساختاری کلان و سازوگرگ‌های ایدئولوژیکی که توسعه را ممکن می‌کنند و ضروری جلوه می‌دهند، با رجوع به میدان پژوهش و محدوده طرح توسعه دانشگاه تهران و تحلیل روابط، نیروها و شبکه قدرتی که مشخصاً از دل این طرح بیرون آمده‌اند، ترسیم شوند و برخلاف روایت غالب در این خصوص که موضع ساکنان طرح در این مورد بدیهی انگاشته می‌شود، مشخصاً مواضع متفاوت به‌واسطه روش‌شناسی پژوهش منعکس گردد. در نهایت هدف پیوند این دو سطح تحلیلی کلان و خرد بوده است به‌نحوی که بتوان توضیح داد مشخصاً نیروهای شکل‌گرفته حول طرح توسعه در مناسبات کلان چطور بایستی فهم شود و علاوه بر آن خاص بودگی‌های این فضا کدام‌اند.

• مبانی نظری پژوهش: فضا چگونه تولید می‌شود؟

فضا در گفتار غالب همچون ظرفی در نظر گرفته می‌شود که چیزها و پدیده‌ها در آن جای می‌گیرند، در این گفتار علم فضا است که با یک منطق پوزیتیویستی ادعای بی‌طرفانه و خنثی و غیرسیاسی بودن تمامی وضعیت‌ها را دارد و در واقع این نگاه وضعیت را به‌مثابه فضای صلح در نظر می‌گیرد که گویی همه‌چیز در آن دارای نظم طبیعی-تاریخی است (Zieleniec, 2007). در یک چنین نگاهی است که ایده‌هایی چون شهر خلاق، برندینگ شهرها برای کسب‌وکار بهتر، طبقه خلاق، شهر دانش‌بنیان و شهر اطلاعاتی و مفاهیمی از این دست تولید می‌شوند.

مفاهیم تولیدشده در چنین گفتمانی به‌واسطه پیوند یافتن با گفتار نئولیبرال، انواع سیاست‌های شهری را به مفهومی چون خیر عمومی گره می‌زنند و در نهایت ایده‌های گفتار سیاسی را به‌واسطه انواع مختلف طرح‌های شهری و در اینجا همچون طرح توسعه دانشگاه تهران مابه ازای فضایی می‌بخشند. چنین گفتمانی غالباً در خدمت ایده پیشرفت و نوعی از جهانی‌گرایی قرار دارد.

منطق مسلط با فهم فضا به‌عنوان ابژه‌ای علمی شروع به آسیب‌شناسی فضا می‌کند. این نوع عبارت‌پردازی کار را برای کسانی که از آن استفاده می‌کنند - معماران، شهرسازان، برنامه‌ریزان - درواقع «پزشکان فضا»، آسان می‌سازد. حمایت از گسترش این مفاهیم بدین ترتیب، درنهایت به وضعیتی منتهی می‌گردد که در آن شهر محصول نظام سرمایه‌داری و نو سرمایه‌داری نیست بلکه محصول «بیماری» عرفی جامعه است و بیش از آنکه به یک منطق برسازنده ارجاع داده شود، به چیزی به نام نقصان و بیماری گره می‌خورد. این صورت‌بندی‌ها توجه را از انتقاد از فضا منحرف و تحلیل انتقادی را با مفاهیم کلی‌کارکردپذیر جایگزین می‌کنند (Lefebvre, 1991: 128).

نسخه صورت‌بندی مبتنی بر بیماری در قالب طرح‌ها و برنامه‌های توسعه شهری پیچیده می‌شود. «کارگزاران اصلی تولید فضای مسلط» یعنی متخصصان، شهرسازان، معماران، برنامه‌ریزان، سازندگان و توسعه‌دهندگان با فضای شهری همچونشی مادی رفتار می‌کنند. آن‌ها نمادهای «زندگی شهری خوب» که به‌دقت بازاریابی شده‌اند در شکل‌های شهری جلوه‌گر می‌کنند (گونواردنا، کانیشکا، استفان کیفر، ریچارد میلگرام و کریستین اشמיד، ۱۳۹۴: ۳۷۵). این چنین زمینه‌های ارزش‌گذاری و برجسب‌زنی به فضاهای متفاوت فراهم می‌شود و به دنبال چنین امری، تمام تمایزات فضایی از نگاهی آسیب‌شناسانه برای حد و حدود زدن‌ها آماده می‌شوند. طرح‌ها و برنامه‌های شهری در واقع همان حدودی‌اند که به فضاهای متفاوت زده می‌شوند.

پژوهش پیش رو به دنبال درک فضا در گفتار انتقادی در مقابل گفتار غالب است. در این نگاه فضا به مثابه یک برساخته اجتماعی هم پیامد تولید جامعه است و هم زمان پیش شرط تولید آن هم هست. در حقیقت می‌توان گفت فضا محصول روابط و نیروهای اقتصادی و سیاسی است (گونواردنا و دیگران ۱۳۹۴: ۶۶). اینجاست که می‌توان گفت هر شیوه تولیدی متناسب با الزامات بقایش فضای خودش را تولید می‌کند (Lefebvre, 1991: 8). در این نگاه است که فضا نه به عنوان یک سطح صاف بلکه به عنوان یک وضعیتی که فضای منازعه است و تخصیصی از نیروها در آن وجود دارد می‌تواند به تصور درآید و آن وضعیت تنها جایی است که اندیشیدن به فضای بدیل در آن ممکن می‌شود (Lefebvre, 1976).

در این گفتار فضا به عنوان یکی از وسایل تولید به عنوان بخشی از شیوه مدرن شده تولید سرمایه دارانه به شمار می‌رود، و به قصد تولید ارزش اضافی به کار گرفته می‌شود. تولید دیگر صرفاً در فضا رخ نمی‌دهد، بلکه حالا فضا خود در و به واسطه فرایند پیشرفت سرمایه دارانه تولید می‌شود. این نتیجه رشد نیروهای مولد و نیز میانجی‌گری‌هایی است که با منطق خاص خود که برگرفته از دانش، ایدئولوژی و نظام‌های معنا و بازنمایی هستند عمل می‌کنند.

در واقع سرمایه‌داری نوعی فضای انتزاعی تولید کرده است که بازتاب جهان دادوستد در سطحی ملی و بین‌المللی و نیز قدرت پول و سیاست دولت است. این فضای انتزاعی به شبکه‌های وسیع بانک‌ها، مشاغل، و مراکز بزرگ تولید، و نیز بزرگراه‌ها، فرودگاه‌ها و شبکه‌های اطلاعاتی وابسته است (هاروی، ۱۳۹۲: ۴۲).

اندیشمندان اقتصاد را متشکل از دو بخش می‌دانند: بخش اولیه که شامل تولید، بانکداری تجاری، خرده‌فروشی و مواردی از این دست می‌شود و بخش ثانویه که شامل صنعت املاک و مستغلات، بانک‌ها و دیگر مجاری مالی‌اش، دلالان املاک و مستغلات، مالکان مستغلات، و بازارها است. در واقع چرخه دوم سرمایه لبه اصلی تغییرات درون

محیط‌های مادرشهری است. منطق این چرخه نسبتاً مستقل از منطق چرخه اول سرمایه^۱ است. در نتیجه جریان یافتن سرمایه در و از چرخه دوم سرمایه، دوره‌های بحران چرخه اول را تشدید و بغرنج می‌کند (گاتدینر، ۱۳۹۷). بخش مستغلات که همواره نقش فرعی را در بخش اقتصاد بازی می‌کرده به آرامی در حال تبدیل شدن به بخشی موازی در اقتصاد و ادغام شدن در چرخه تولید و مصرف^۲ است.

چرخه مستغلات غالباً وقتی رونق می‌گیرد که سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی در چرخه تولید و مصرف (چرخه اول تولید) با رکود و کاهش سود مواجه می‌شود. سرمایه بدین ترتیب بخش مستغلات را همچون مفری برای خروج از بحران می‌بیند. این موضوع را که سرمایه چگونه و چه زمانی وارد محیط مصنوع می‌شود، می‌توان با نظریه شکاف میان اجاره واقعی و اجاره بالقوه^۳ فهمید. این مفهوم در توضیح دلایل سیاست‌های شهری متفاوت اعم از احیا^۴، نوزایی^۵، بازتولید^۶، نوسازی^۷، بازسازی^۸، تجدید حیات^۹، تغییر ساختار^{۱۰}، شروع دوباره^{۱۱}، مسکونی سازی^{۱۲}، اعیانی سازی^{۱۳} و دیگر طرح‌هایی از این قبیل که در اینجا به‌نوعی مرتبط با مسئله پژوهش است، اهمیت نظری فراوانی دارد (اسمیت، ۱۳۹۰: ۱۸۱).

نتیجه کلی مواجهه مبتنی بر سرمایه با فضا این است که منطق سرمایه همیشه به دنبال خلق چشم‌انداز جغرافیایی‌ای است که فعالیت‌هایش را در یک نقطه از زمان تسهیل می‌کند. بدین ترتیب منطق سرمایه به‌محض آنکه در لحظه دیگری مجبور می‌شود در راستای پاسخ

1. Capital
2. The production and consumption cycle

۳- در این باره نگاه کنید به (اسمیت، ۱۳۹۰: ۱۱۰).

4. Revitalization
5. Renewal
6. Regeneration
7. Renewal
8. Redevelopment
9. Rejuvenation
10. Restructuring
11. Resurgence
12. Residentialisation
13. Gentrification

تبیین روابط قدرت در تهیه و اجرای طرح‌های...، رفیعیان و همکاران | ۴۹

به ولع همیشگی‌اش به انباشت چشم‌انداز جدیدی را خلق کند، افق قبلی را نابود می‌کند و چشم‌انداز کاملاً جدیدی را می‌سازد. با توجه به این فرایند می‌توان گفت تاریخ تخریب خلاق در چشم‌انداز جغرافیای تاریخی، فعلیت یافته انباشت سرمایه حکم شده است (هاروی، ۱۳۹۷: ۱۰۴).

آنچه در فضاهاى شهری با عنوان برنامه‌های متعدد توسعه مطرح می‌شوند در واقع باز نمودی از این نوع تخریب هستند. رقابت‌پذیر نمودن شهرها از سیاست‌های ایده تخریب خلاق نشأت می‌گیرد. رقابت برای سرمایه‌گذاری و مشاغل در دوران فراگیر شدن بیکاری، بازساخت‌یابی صنعتی و حرکت به سوی الگوهای سیال‌تر و انعطاف‌پذیرتر انباشت سرمایه حاکمان شهری را به تکاپو می‌اندازد تا به فکر جذب سرمایه و پیشبرد برنامه‌های توسعه شهرهایشان باشند.

متخصصان شهری مدام با واژگان جدید ادبیات گفتمان لیبرالی^۱ مواجه با شهر و وضعیت زیست افراد را به‌روز می‌کنند. «خودمدیریتی»، «شراکت بخش خصوصی و دولتی» و «پایداری محیط زیستی» از جمله کلیدواژگان تبلیغاتی این گفتمان‌اند. نمونه مشابه دیگر را در طرح‌های ریچارد فلوریدا و خصوصاً ایده شهر خلاق^۲ او می‌توان دید. شهر خلاق وی آن مکانی است که به‌صورتی ویژه پذیرای متخصصان، فنی‌کاران، متصدیان فرهنگی و کاسب‌کاران است. این ایده در حقیقت به هدف جذب سرمایه و ساماندهی «ماشین رشد شهر» پرداخته و نتیجتاً نیز با استقبال خوب سرمایه‌داران مواجه شده است.

نکته قابل توجه اما طریقه معرفی این شهرهای «خلاق» است که با مضامینی چون کثرت‌گرایی، مدارا و فرهنگ جهان‌وطنی تبلیغ می‌شوند؛ مسئله‌ای که مهم به نظر می‌رسد آن است که در مقام پژوهشگر بتوان در پس این رنگ و لعاب‌ها رفت و منتفعان و متضرران واقعی این دست طرح‌های شهری را افشا نمود (MacLeod, 2011). وضعیت فضای مورد مطالعه در پژوهش پیش رو بیش از هر زمانی نشان می‌دهد چگونه ساکنان و کسانی که

1. Liberal discourse
2. Creative City

در معرض طرح‌ها و برنامه‌های توسعه هستند، مدام مجبور به جابجایی و در واقع بیرون رفتن از جلوی ماشین رشد شهری هستند.

این آبرفرایند پیشرفت سرمایه‌دارانه در حال فراگرفتن کل سیاره است به طوری که هیچ کس در زمین، خارج از قلمروی تأثیرات سرمایه‌داری صنعتی شهری نیست. آرام آرام امر شهری^۱ به گردابی تبدیل می‌شود، که هر آنچه سیاره عرضه می‌کند در خود فرومی‌برد: زمین و ثروتش، سرمایه و قدرتش، فرهنگ و مردم و نیروی کار غیرضروری‌اش. این بلعیدن مردم و کالاها، سرمایه و اطلاعات است که سوخت ماشین امر شهری را تأمین می‌کند، آن را پویا و همچنین بسیار بی‌ثبات می‌کند، زیرا نیروی انرژی‌بخش و تمامیت‌ساز این ماشین مردم را «حذف/طرد» و درعین حال چیزی را که لوفور مازاد/باقیمانده^۲ می‌نامد سرریز و پنهان می‌کند (مریفلد ۲۰۱۷).

منظور نوعی مکیدن چیزها به درون و تف کردن چیزهای دیگر به بیرون است. این بیرون پرتاب‌شدگی^۳ هم در مفهوم افقی و هم عمودی آن از مرکزیت شهر است، مرکز در این معنا نه مرکزیت جغرافیایی بلکه مرکزیت سیاسی شهر است. بنابراین می‌توان گفت، درحالی که هر ساختار سیاسی-اقتصادی فضای خود را تحت برنامه‌ها و طرح‌های مختلفی چون طرح توسعه دانشگاه‌ها تولید می‌کند، این تولید نوعاً شامل برخی سلب مالکیت‌هاست (Levien, 2012).

کیفیت سلب مالکیت به عوامل سیاسی و ایدئولوژیکی بستگی دارد که به لحاظ اجتماعی و تاریخی در شهرهای مختلف، متفاوت هستند. بدین ترتیب سلب مالکیت به اشکال مختلفی خود را در فضاها و زمان‌های متفاوت ظهور و بروز می‌دهد. اشکال مختلف سلب مالکیت را در مختصات و سطوح متفاوت باید به‌سان منظومه به هم پیوسته‌ای از نقش‌های دولت، منطق‌های اقتصادی گره‌خورده به منافع طبقاتی و صورت‌بندی ایدئولوژیک «خیر عمومی» درک کرد. به این ترتیب که بار مشروعیت بخشی به انباشت از

-
1. The Urban
 2. Remainder
 3. Throwing out

تبیین روابط قدرت در تهیه و اجرای طرح‌های...، رفیعیان و همکاران | ۵۱

طریق سلب مالکیت بر دوش ایدئولوژی میافتد تا دولت بتواند کسانی را که سلب مالکیت شده‌اند و البته عموم مردم را توجیه کند.

از این رو منطق مدیریتی و سیاسی باید نشان دهد چرا غصب اموال یک گروه به نفع گروهی دیگر، در راستای منافع عمومی^۱ است (همان). این مسئله را در موضع‌گیری‌های نیروهای دولتی و دیگر ایدئولوژیست‌های آن درباره طرح توسعه دانشگاه تهران می‌توان دید:

«هدف اصلی طرح توسعه دانشگاه تهران، هویت بخشی به کلان‌شهر تهران است».
۱. تبدیل دانشگاه به یک دانشگاه سبز، کارآفرین و هوشمند که در مقابل شهر و جامعه مسئولیت‌پذیر است و مشکلات آن را حل می‌کند. (مهندسین مشاور صفامنش، ۱۳۹۷)

با وجود همه اینها اگرچه فضا اغلب به صورت ابزاری برای کنترل و تسلط ظاهر می‌شود، ولی به همین دلیل است که در بردارنده بذرهای مقاومت نیز هست. امکان مقاومت همیشه در هر نوع روابط قدرتی در فضا مفروض است. چون در غیر این صورت دیگر روابط قدرت وجود نخواهد داشت. این مقاومت هرگز در موقعیتی بیرون از قدرت قرار ندارد. از این رو هیچ فضای منحصربه‌فردی برای امتناع و سرپیچی وجود ندارد، بلکه همواره در هر فضایی، توأمان حضور سازوکارهای قدرت که به واسطه نیروهای مختلف کالبدی-طراحی فضا- و غیر کالبدی چون حضور گروه‌های مختلف اجتماعی، کثرتی از مقاومت‌ها نیز حضور دارند (فوکو، ۱۳۷۸: ۱۶۸ به نقل از رفیعیان، داداش پور، یزدانیان، ۱۳۹۶).

سیاست مقاومت می‌تواند از فضای شهری به روش‌هایی استفاده کند که: نخست، مردم از فضا عمل کنند، از لحاظ سیاسی و با استفاده از شرایط مادی فضایشان، خود را تجهیز کنند و به دنبال حالت‌های فضایی جایگزین باشند، دوم، مردم بر فضا عمل کنند، آن را در سطوح مختلف محلی و فراتر از آن تصرف کرده و با یک هویت گروهی بر آن مسلط شوند؛ سوم مردم در فضا عمل کنند تا آن را برای بحث، نمایش، اعتراض با خشونت

1. Public interest

در قالب انواع جنبش‌های شهری به خیابان‌ها کشند؛ و در نهایت، مردم فضا را می‌سازند تا شرایطی خلق کنند که مشارکت سیاسی عموم را از راه به هم پیوستن فضای استعاری و سیاست، گسترش دهد (مارکوزه و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۳۶).

روش‌شناسی تحقیق

در مواجهه با فضایی به نام شهر و مسائل شهری، ضرورت انضمامی کردن امر انتزاعی بیش‌ازپیش احساس می‌شود. برای چنین امری، مفاهیم انتزاعی نیازمند نوعی از میانجیگری هستند. این وساطت از خلال معرفی تعین‌ها به آن مفهوم انتزاعی انجام می‌گیرد. به عبارتی هر امر انتزاعی، مثلاً شهر، باید به وسیله تعین‌های تاریخی-اجتماعی متعین شود. این متعین کردن مفاهیم فرآیندی بی‌وقفه است و درست از همین روست که مفاهیم همواره با تنشی درونی میان تعین‌های مختلف مواجه‌اند. در واقع این تعین‌ها قرار است به ما بگویند که یک مفهوم کلی چگونه در جغرافیاهای تاریخی-اجتماعی دیگر درعین‌حالی که همچنان کلیت خود را حفظ می‌کند، اشکال مختلف به خود می‌گیرد. نتیجه این تنش‌ها انضمامی شدن مفاهیم یا به قولی انتزاع انضمامی است. به بیانی دیگر باید به واسطه فضا به مجموعه روابطی اندیشید که از خلال فضا، جهان و تجربه ما از زندگی را می‌سازند (واقفی، ۱۳۹۵).

از این رو در پژوهش پیش رو تلاش شده است به جای مواجهه با مسائل به‌مثابه اموری مطلق و از پیش موجود، با آنها به‌مثابه یکسری از روابط و نیروهای برساننده مواجهه گردد. در غیر این صورت پژوهشگر به جای روشن کردن روابط اجتماعی که در فضا وجود دارد و به جای توجه به تولید فضا و روابط اجتماعی متناظر آن، در دام تله فضای در خود می‌افتد و به جای اندیشیدن به فضا، فضا را به گونه‌ای ذات‌گرایانه درک می‌کند. متناسب با آنچه بیان شد، پژوهش حاضر از روش‌شناسی کیفی و مشخصاً گرندد تئوری بهره گرفته است.

بر مبنای این تعاریف پژوهش حاضر با در نظر داشتن انگاره‌های ذهنی، به طوری که ذهن پژوهشگر خالی از مفاهیم نباشد، به محدوده طرح توسعه مراجعه می‌کند و با بهره‌گیری از مصاحبه با افراد حاضر در فضا، درباره منطق و اثرات این طرح به مصاحبه و گفتگو می‌پردازد. در روش کیفی در راستای رسیدن به نتیجه‌های مبتنی بر واقعیات فضایی به دیدگاه‌های افراد درگیر با فضای مورد مطالعه تأکید می‌گردد. ضمن اینکه در این شیوه معمولاً بر حسب ایجاب روش و بنا به پارادایم فکری پژوهش که نگرش انتقادی به فضا است، برای شناسایی روابط قدرت و در نهایت تحلیل جامع‌تر، محقق با افراد محدوده ارتباط متقابل در لحظه‌های مختلف برقرار می‌کند.

در اینجا به منظور تحلیل فضای مورد مطالعه از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شده است. مصاحبه‌های عمیق صورت گرفته در جمعیت ۶۶ نفر با گروه‌های شناسایی شده در محدوده به ترتیب زیر به اشباع نظری رسید. کلیه گروه‌های شناسایی شده چه به لحاظ مالکیت خصوصی یا منافع فردی (مسئولین دانشگاه تهران و مدیران شهری) و چه منافع جمعی در نسبت با شهر (سایر اساتید) ذینفع طرح هستند ولیکن موضع‌های این افراد در گروه‌های مختلف، متکثر (موافق یا مخالف با حدود متفاوت) است.

جدول ۱- لیست گروه‌های مصاحبه‌شونده

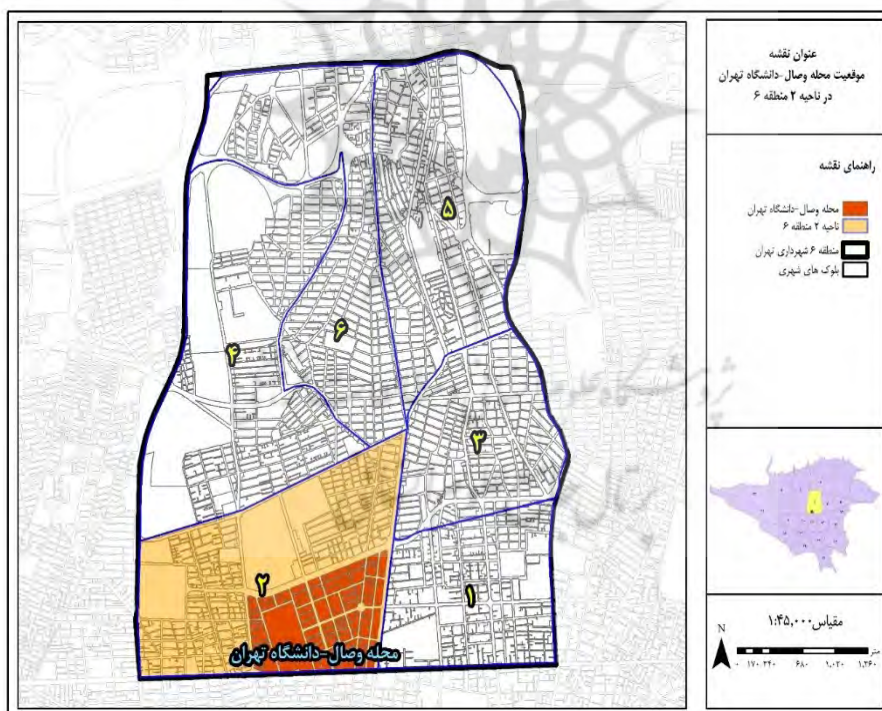
✓ ساکنین تملک شده ✓ مستاجرین تملک شده ✓ ساکنین باقیمانده ✓ کسبه محدوده طرح تملک شده و باقیمانده ✓ مشاورین املاک موجود در محدوده بلافضل ✓ ساکنین و کسبه محدوده بلافضل طرح (جمعاً ۳۶ نفر)	ساکنین و کسبه
--	---------------

<p>✓ مدیران و رؤیسان دانشگاه تهران و اساتید دانشگاه‌ها (۷ استاد گروه معماری شهرسازی، از این افراد ۵ نفر از اساتید دانشگاه تهران و ۲ نفر از اساتید سایر دانشگاه‌ها و ۸ استاد از گروه‌های غیر از شهرسازی (فنی و مهندسی و علوم اجتماعی و... از دانشگاه تهران و ۲ نفر از اساتید سایر دانشگاه‌ها)</p>	<p>اساتید دانشگاهی</p>
<p>✓ دانشجویان دانشگاه تهران (انجمن‌های علمی) و دیگر دانشگاه‌ها (۳ نفر) ✓ گروه‌ها و تشکل‌های فعال در حوزه طرح و در سطح شهر (۳ نفر)</p>	<p>فعالین شهری و دانشجویی</p>
<p>✓ مهندسیین مشاور طرح (۲ نفر-مدیرعامل شرکت و همکاران)</p>	<p>مشاورین طرح</p>
<p>✓ نماینده شوراییعالی (معماری و شهرسازی)، شهرداری تهران، شهرداری منطقه ۶ و شهرداری ناحیه ۲ (وقت) (۵ نفر) ✓ شورای شهر (وقت) (۲ نفر)</p>	<p>مدیریت شهری</p>

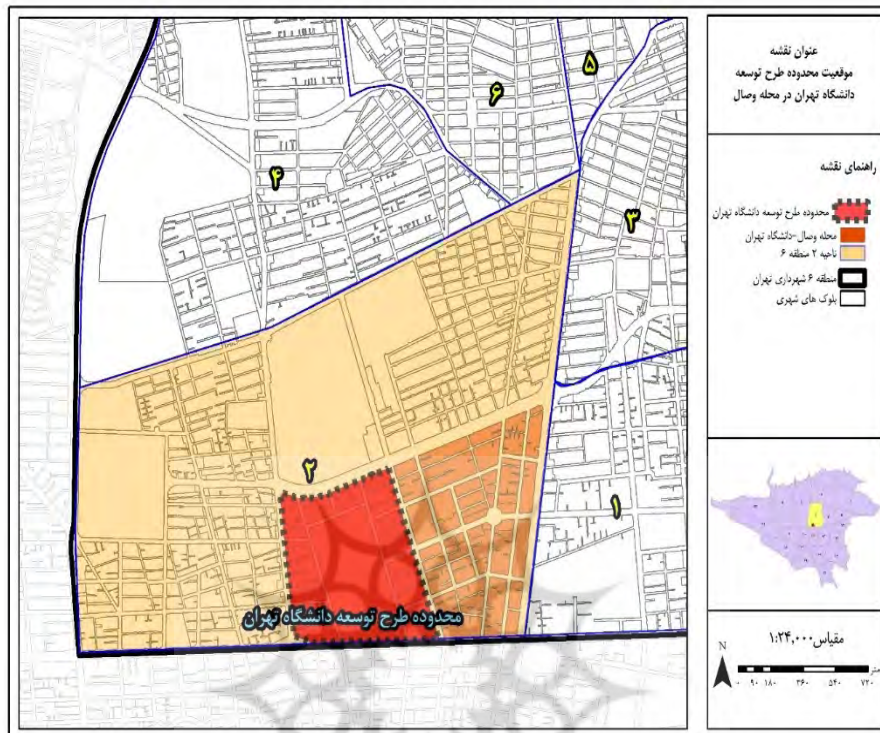
پس از تدوین رهنمودهای مصاحبه و انتخاب و تدقیق گروه‌های مصاحبه‌شونده، مصاحبه بر محوریت این پرسش که «ما می‌خواهیم بدانیم طرح توسعه دانشگاه تهران اولاً با چه منطقی و چگونه تصویب‌شده و دوماً چه تأثیرات فضایی برای شهر و برای ساکنان (ساکتین و کسبه) این محدوده ایجاد کرده است؟» انجام شد. در ادامه به‌منظور تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه، متون مصاحبه‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی به مفاهیم و واحدهای تحلیل دسته‌بندی و تحلیل محتوا شده‌اند. روایی و اعتبار مفاهیم مستخرج از کدگذاری‌ها در هر مرحله از کدگذاری توسط مشارکت‌کنندگان در پژوهش و متخصصین امر (اساتید مربوطه و مرورگران خارجی) مورد بررسی قرار گرفته است.

شناخت اولیه از فضای مطالعاتی

فضای مورد مطالعه، در ناحیه ۲ منطقه ۶ شهرداری تهران واقع شده است. محدوده طرح از شمال بلوار کشاورز، از جنوب خیابان انقلاب، از شرق خیابان وصال شیرازی و از غرب خیابان کارگر شمالی محاط است. ناحیه ۲ دارای ۳ محله با نام‌های وصال، کشاورز، جمشید آباد-جمائزاده سابق است، که محدوده طرح توسعه دانشگاه تهران در بخشی از محدوده محله وصال قرار گرفته است. ۲۱ هکتار از محله وصال را محدوده پردیس مرکزی دانشگاه تهران شامل می‌شود و محدوده طرح توسعه دانشگاه تهران ۳۱ هکتار دیگر را از این محله در قالب طرح توسعه دانشگاه تهران به پردیس مرکزی اضافه می‌کند. بدین ترتیب مساحت محدوده طرح توسعه برابر با ۵۲ هکتار از محله وصال است.



نقشه ۱- موقعیت محله وصال-دانشگاه تهران در ناحیه ۲ منطقه ۶ شهر تهران، مأخذ: نگارندگان



نقشه ۲- موقعیت محدوده طرح توسعه دانشگاه تهران در محله وصال، مأخذ: نگارندگان

روند تاریخی طرح توسعه دانشگاه تهران

در بررسی تاریخی طرح توسعه دانشگاه تهران، روند تاریخی این طرح در فرایند اجرایی شدن از سیاست‌گذاری تا اجرا که به اقتضای اختصار متن در جدول ذیل به گونه‌ای کرونولوژیک بیان شده، می‌توان از یک طرف حضور نیروهای سیاسی را در سطوح متفاوت بین‌المللی، دولت بوروکراتیک، قوه قضاییه، شورای شهر، شهرداری و.. و از طرف دیگر غیاب مردم را ملاحظه کرد. تحلیل فرایند از سیاست‌گذاری تا فضاوند شدن طرح نشان از کنارگذاری نیروهای مردمی در ساحت سیاست‌گذاری و عدم اطلاع آنها از منطق تدوین سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها از یک طرف و از طرف دیگر بی‌توجهی به برخی از مطالبات در وضعیت انضمامی فضای موردنظر است.

تبیین روابط قدرت در تهیه و اجرای طرح‌های...، رفیعیان و همکاران | ۵۷

جدول ۲- اقدامات مرتبط با طرح توسعه دانشگاه تهران تاکنون (تلخیص از صدیقی، ۱۳۹۸)

دهه ۶۰	<ul style="list-style-type: none"> • نامه رئیس دانشگاه به رئیس‌جمهور و اعلام موافقت رئیس‌جمهور و نامه به سازمان برنامه‌بودجه (۷۵) • مصوبه کمیسیون ماده ۵ شهرداری تهران درباره تعیین محدوده توسعه و تغییر کاربری و اعمال محدودیت ساخت‌وساز در محدوده (۷۶) • درخواست دانشگاه تهران از بیت رهبری (۷۹) • نامه وزیر مسکن وقت به رئیس دانشگاه تهران (۷۹)
دهه ۷۰	<ul style="list-style-type: none"> • مصوبه کمیسیون ماده پنج در خصوص تمدید مصوبه پیشین (۸۲) • تصویب‌نامه هیئت‌وزیران (۸۲) • مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران (۸۲) • تهیه طرح پس از ۵ سال (۸۶) • پیشبرد کند روند عملیات خرید و تملک املاک و اراضی با منابع مختلف خود دانشگاه (۸۸-۹۴)
دهه ۸۰	<ul style="list-style-type: none"> • تصویب مجدد محدوده طرح در شورای عالی شهرسازی و معماری ایران (۹۴) • گزارش و پیشنهادهای طرح جدید توسعه دانشگاه تهران ارائه‌شده توسط مهندس مشاور صفامنش و همکاران (مشاور طرح) به کمیسیون ماده پنج و در نشست دانشگاه تهران (۹۶) • تصویب طرح جدید توسعه دانشگاه تهران با عنوان "شهر دانش، دانشگاه کارآفرین، سبز و هوشمند" در کمیسیون ماده ۵ (۹۶) • بیانیه و نامه‌های تشکل‌های دانشجویی • برگزاری جلسه مردمی در سرای محله وصال (۹۶) • نامه مردم به وزیر راه و شهرسازی، شهرداری، رئیس‌جمهور، شورای شهر-تجمع‌ها • کوچ اجباری ساکنان پیرامون دانشگاه الزهراء (۹۷) • انتشار بخشی از اسناد مربوط به طرح توسعه در سایت شهرداری منطقه شش تهران (۹۷) • مخالفت مجلس با اختصاص بودجه به طرح توسعه دانشگاه تهران (۹۷) • حضور گروه‌های سیاسی با مواضع سیاسی متفاوت به‌منظور بهره‌برداری‌های متفاوت در محدوده و فضا را سیاسی‌تر می‌کنند. • کنفرانس مطبوعاتی شهردار تهران (۹۷) • مصوبه جدید شورای عالی شهرسازی و معماری درباره طرح توسعه دانشگاه تهران (۹۸) • نامه روسای دانشگاه تهران و دانشگاه علوم پزشکی تهران به رئیس‌جمهور (۹۸) • ارجاع نامه روسای دانشگاه تهران و دانشگاه علوم پزشکی تهران به معاونت حقوقی رئیس‌جمهور (۹۸) • ملاقات نماینده‌ای از طرف اهالی و کسبه محدوده طرح توسعه با خانم دکتر جنیدی، معاونت حقوقی رئیس‌جمهور پس از پیگیری‌های فراوان (۹۸) • اعلام خلاف قانون بودن مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری از سوی رئیس‌جمهور (۹۸)



نقشه ۳- کاربری‌های پیشنهادی برای محدوده طرح توسعه (طرح توسعه دانشگاه تهران و دانشگاه علوم پزشکی تهران، مهندسان مشاور صفامش و همکاران)



نقشه ۴- وضعیت تملک فضای طرح توسعه (طرح توسعه دانشگاه تهران و دانشگاه علوم پزشکی تهران، مهندسان مشاور صفامش و همکاران)

منازعه حول این طرح تا زمان نگارش این متن به قوت خود باقی است. با توجه به محدودیت‌های نوشتار حاضر از پرداختن تفصیلی به تاریخ شکل‌گیری طرح اجتناب شده است ولیکن نیروهای درگیر در سیر آن شناسایی شده‌اند و در مقابل آن به تحلیل عدم حضور سایر نیروها در سیاست‌گذاری‌ها پرداخته شده است.

یافته‌های تحقیق

پس از مراجعات میدانی و مواجهه با سوژه‌ها و گروه‌های اجتماعی متفاوت که هرکدام به شیوه‌های مختلفی از طرح توسعه متأثر شده‌اند، مقوله‌ها که در واقع سازه‌هایی از معانی شکل گرفته هستند، به واسطه کاربست روش‌شناسی در قالب ۵ مقوله کلی تحت عنوان منطق توسعه، گفتار آکادمیک، شبکه‌های قدرت، سلب مالکیت و مقاومت محلی دسته‌بندی شده‌اند. فرایند کدگذاری باز و انتخابی (پس از کدگذاری محوری) و در نهایت رسیدن به این مقوله‌ها در جداول زیر قابل مشاهده‌اند. با توجه به فشردگی متن مقاله از بیان تفصیلی کدگذاری محوری اجتناب شده و صرفاً به ارائه کدگذاری‌های باز و انتخابی اکتفا شده است.

جدول ۳- نمونه‌ای از کدگذاری باز، گروه مصاحبه‌شوندگان: مردم محدوده طرح؛ منبع: نگارندگان

شماره مصاحبه	گروه مصاحبه‌شوندگان: مردم محدوده طرح	شماره کد/ مؤلفه
۶	نگاهشون مسئولان طرح در اینجا ارباب رعیتیه. این‌ها خیلی نامردی کردن نسبت به مردم. خیلی. دیگه وقتی دیدن مردم اسپیر و گرفتار شدن، دیگه نشستن کنار که مردم برن التماس کنن که تو رو خدا بیا اینجا رو از ما بخر. به شکل‌های مختلف. با اوراق خزانه خریدن که چیزی حدود ۷ سال طول کشیده که تا این پول دست مالک برسه. خداشاهده من مکتوب متن اون خانمی که خونه ش رو با فشار فروخت دارم. اون نوشت که ما راضی نیستیم. می‌گفت ما اوراق رو قبول کردیم، ولی راضی نیستیم. این‌ها اردیبهشت ۹۷ قرارداد بستن، مهرماه پولشون رو دادن	۶۲. نگاه ارباب‌رعیتی در طرح‌ها ۶۳. بی‌عدالتی ۶۴. استراتژی‌ها باری اجبار به فروش توسط دانشگاه ۶۵. سلب مالکیت و برون‌رانی ۶۶. تجاری‌سازی ۶۷. حس مغلوب شدن و

شماره کد / مؤلفه	گروه مصاحبه‌شوندگان: مردم محدوده طرح	شماره مصاحبه
<p>سلطه ۶۸. ارجاع به امر خیر و امر عام ۶۹. فشار وارد کردن بر زندگی اهالی ۷۰. تجاری‌سازی فضاهای تملک شده</p>	<p>بعضی‌ها اوایل راضی بودن و فروختن. دسترسی نداریم بهشون. مثلاً کاسبها میگویند که گاهی برمیگردن و میگویند که اشتباه کردیم و رفتیم. ما خونه داشتیم. حالا آپارتمان‌نشین شدیم. یه خانمی به من زنگ زد. دو سه ماه پیش. می‌گفت ما در ادوارد برون خونه داشتیم. سال ۹۳ به دانشگاه فروختیم. متری ۷ فروختیم. گفتم چرا فروختین. گفت نیاز داشتیم. ورثه‌ای بودن. گفت من اصلاً راضی نبودم. ولی مجبور شدیم بفروشیم.</p>	
<p>۷۱. فشار اجتماعی ۷۲. استراتژی‌های دانشگاه برای اجبار به فروش ۷۳. مسئله زمین‌های ره‌اشده ۷۴. ناامنی ۷۵. اجاره به پیمانکار ۷۶. بدنام‌سازی کوچه‌های محله</p>	<p>من به آقایی که در دفتر ساماندهی هست خیلی بهشون گفتم.. همیشه هم ترجیح‌بند حرف‌هاشون آینه که دارید به دانشگاه می‌دید. باقیات و صالحات عمرتونه. در راه علم و دانش خیرات می‌کنید. حبه کنید به دانشگاه... گفت اینجوری با ما حرف زدن.. حالا اومدم دیدم خونه مون رو کافی‌شاپ کردن.. بعد دیگه پشیمون شده بود.. گفت من میتونم باهاتون همراهی کنم. منم گفتم ما داریم اعتراضات جمعی می‌کنیم. میتونید بیایید..</p>	
<p>۷۷. استفاده تجاری و اقتصادی از فضاهای تملک شده ۷۸. برون‌رانی ۷۹. منطق اقتصادی و بیشینه‌سازی سود از فضاهای تملک شده</p>	<p>یه خانم دیگه ای هم هستن که با اوراق و اپنا فروخته بودن و راضی نبودن. اونا هم خیلی خانواده بسته‌ای بودن. من خیلی تلاش کردم که با برادرش حرف زدم. کلی اصرار کردم تا یه صفحه مکتوب بهمون بدن. اونایی که میفروشن میرن دیگه انگیزه ندارن برگردن بین چی میشه. بعضی‌ها هم فکر میکنن مغلوب شدن و دچار یه افسردگی میشن. بعضی‌ها هم که همراهی میکنن فکر میکنن میتونن منافعشون رو برگردونن. ولی نمیتونن. ممکنه بگن پشیمون شدیم ولی پیدااشون نمی‌کنم.</p>	
	<p>اینجوری که دانشگاه عمل کرد از اول تا به الان یه رقابت بدی بین مردم اتفاق افتاد که کی بتونه خونه ش رو به دانشگاه بفروشه. اونایی که مستأصل و گرفتار بودن. حتی رفتن نمایندگان مجلس رو دیدن که بیان پا درمیانی کنن که دفتر طرح ساماندهی یه کم گرون تر ازشون بخرن. ببینن چی اتفاقی افتاده. رئیس دانشگاه هم با ارجاع به این اتفاقات میگه اینها فروشنده‌اند. اون مالک در شرایط بدیه دیگه. یکیش همین خانمی که دیدین اون روز. دیدین چجوری دور خونه ش رو</p>	

تبیین روابط قدرت در تهیه و اجرای طرح‌های...، رفیعیان و همکاران | ۶۱

شماره کد / مؤلفه	گروه مصاحبه‌شوندگان: مردم محدوده طرح	شماره مصاحبه
	<p>گرفتن. این باید بفروشه دیگه. وقتی اتوبوس‌ها خانه‌اش رو گرفتن. محل دپوی اشغال و فلان. خب ایشون هم نمیخاد خونه ش رو مفت بدن.. این‌ها این شرایط رو برای مردم ایجاد کردن. مردم تشویش خاطر دارن. بویژه اونایی که تو آپارتمان هستند. بعدم دانشگاه این جاهایی رو که خریده میده دست پیمانکار. بعد پیمانکار در واحدهای تجاری میدان انقلاب بویژه پارتیشن‌بندی کرده، یه واحد رو کرده سه واحد. خودش اجاره داده. من گزارش محلی دارم از مردم که تو کوچه رستم و حسین علی پور، اونجا دوتا خونه ست. یه آپارتمانی که دانشگاه خریده و داده به این پیمانکار معروف. ایشون اینجا رو به هرکی اجار داده. برخی از کسبه میگن. ما که مردم از جلوی اینجا رد نمیشیم. برخی از واحدهای اینجا خونه فساد شده. واحد مال دانشگاهه، داده دست پیمانکار</p> <p>یه بنده خدایی می‌گفت دیدم تو این کوچه اینجوری شده، منم رفتم برای زن و بچم یه جایی خونه اجاره کردم، و خونه خودم رو هم تبدیل به اقامتگاه کردم.. من رفتم این کوچه. در خونه‌ها زنگه همه خراب. از یه آقایی که اومده بود دم در خونه. گفتم اینجا مالکی. گفت نه من دفتر دارم. از آقای پیمانکار گرفتم اینجا رو. خود یارو می‌گفت اینجا خیلی افتضاحه.</p>	

جدول ۴- نمونه‌ای از کدگذاری باز، گروه مصاحبه‌شوندگان: کنشگران و دانشجویان؛ منبع: نگارندگان

شماره کد / مؤلفه	گروه مصاحبه‌شوندگان: کنشگران و دانشجویان	شماره مصاحبه
<p>۶۱۰. شبکه‌های قدرت</p> <p>۶۱۱. روابط برساننده غیررسمی</p> <p>۶۱۲. سوژه‌سازی توسط گفتار مرکزی</p> <p>۶۱۳. نقد و اعتراض به سیاست‌ها</p>	<p>وقتی وزیر دانشگاه تهرانیه. معاون شهرسازی و معماری دانشگاه تهرانیه. دبیرخانه شورای عالی دست دانشگاه تهرانیه. شهردار وقت تهران خودش رو دانشگاه تهرانی میدونه. معاون شهرسازی شهرداری خودش رو دانشگاه تهرانی میدونه. معاون فنی و عمرانی شهرداری دانشگاه تهرانیه. بذا این اتفاق مه این‌جوری با مردم مواجه میشن، اتفاق پیچیده‌ای نیست. خیلی وقته که چاقوکشی رو به اسم جراحی به ما قالب میکنن. وقت این حرفها دیگه گذشته. توصیه‌ای که به اهالی محله دارم آینه که با تمام</p>	۵۸

شماره کد/مؤلفه	گروه مصاحبه‌شوندگان: کنشگران و دانشجویان	شماره مصاحبه
۶۱۴. دعوت به مقاومت ۶۱۵. نقش دانشجویان و انجمن‌های علمی	<p>سختی‌ها خونه هاتون رو نفروشید. اونا تمام سرمایه شماست. تا آخرین لحظه‌ها وایستید. تمام طرح‌ها هم ثابت کرده، هرروز که شما بیشتر بمونید به ارزش ملک شما افزوده میشه. بمونید و مقاومت کنید. با همه دشواری هایی که اینجا داره، اینجا مرکز شهره. یه راه‌حل مشخص داره. فریز این محله رو بردارید. اینجا بصورت ارگانیک برمی‌گرده به همون حالت اول.</p> <p>ما یه نامه دیگه ای به ایزدی می‌زنیم که مثلاً این موضوع پیگیری بشه و ما پیشنهادمون آینه که یه مشارکت دانشگاه با جامعه محلی داشته باشه و دانشگاه یک جلسات پابلیگ شیرینگ رو برگزار بکنه توی تابستون که این موضوع عمومی بشه و در انحصار دانشگاه نباشه و مردم هم ازش یه فهمی داشته باشن اینم ایزدی باهاس موافقت میکنه منتهی کار جدی‌ای بعدش اتفاق نمی‌افته.</p>	

جدول ۵- کدگذاری انتخابی، منبع: نگارندگان

مقوله‌بندی	مفاهیم مشترک
<p>تجاری کردن فضای طرح (C10)، جهان‌شمولی منطق توسعه و نوسازی (C12)، بهره‌برداری از آمار به شکل ایدئولوژیک (C11)، ایدئولوژی شهر دانش (C13)، کارآفرینی (C14)، گره زدن طرح به خیر عمومی (C18)، نگاه ارباب‌رعیتی در طرح‌ها (C19)، فریب مردم (C22)، خشونت منطق توسعه (C25)، ماشین توسعه (C26)، شهرسازی بولدوزری و هوسمانی (C27)، ایده پیشرفت و جهانی‌گرایی (C30)، نگاه به غرب به‌مثابه دیگری بزرگ (C33)، کالایی سازی فضا (C34)، تعارض منافع (C38)، بورژوازی مستغلات (C39)، اقتصاد بازار آزاد (C40)، یکی شدن زبان مردم و مدیریت شهری - منطق سلسله مراتبی اعمال قدرت (C47)، سیاست نه در حیط‌خلوت من (C49)، رقابت بین مکان‌ها (C52)، از بین رفتن حافظه تاریخی - خاطره و تعلق (C57)، تقلیل مسائل مردم به بودجه (C64)، حق شهروندی (C67)، سوژه دانشگاهی-سوژه سازی توسط گفتار مرکزی (C69)، مردم به‌مثابه معارض (C71)، شکاف اجاره (C72)، تولید مسئله-ارائه غلط (C76)، مواجهه تقلیل‌گرایانه با طرح (C77)، لکه‌گذاری میراثی (C78)، طبیعی سازی (C82)، کارکردگرایانه بودن طرح-بخشی‌نگرانه (C83)، ارزش مصرفی در مقابل ارزش مصرفی (C84)، سیاسی بودن فضا (C86)، رویکرد مستغلاتی شهرداری به شهر (C92)</p>	

تبیین روابط قدرت در تهیه و اجرای طرح‌های...، رفیعیان و همکاران | ۶۳

مقوله‌بندی	مفاهیم مشترک
گفتار آکادمیک	دانش‌بنگاه (C1)، تخصص‌گرایی (C28)، سفارشی بودن طرح‌ها (C29)، همدستی مدیریت شهری و دانشگاه-قدرت دانشگاه در مقابل شهرداری (C58)، عقلانیت آکادمیک (C73)، بی‌اعتباری عقلانیت آکادمیک (C74)، مشاور طرح (C89)، همکاری دانشگاه و مشاور (C90)
شبکه‌های قدرت	مشروعیت بخشی به‌واسطه قانون (C15)، لابی‌گری و نفوذ دانشگاه در قدرت (C16)، کارشناسی طرفدارانه (C23)، نزاع در ساحت سیاست‌گذاری‌ها (C42)، شکاف در ساحت سیاست‌گذاری‌ها (C43)، هیئت‌امنا دانشگاه همان دولتمردان (C48)، نقش شورای شهر (C50)، حمایت شورای شهر از مردم (C51)، نقش دولت‌ها (تغییر دولت‌ها) (C53)، فراروی از قانون توسط دانشگاه (C59)، حمایت فریبکارانه شهرداری از مردم (C60)، زخمی شدن آپارتمان‌ها (C63)، ارجاع به دولت (C65)، استراتژی‌های زبانی (C70)، بی‌اعتباری منطق نمایندگی (C79)، عدم وجود شفافیت در طرح‌ها (C81)، کار ویژه‌های نظام مدیریتی-دانشگاهی (C85)، نهادهای بین‌المللی (C87)، کار ویژه‌های دولت (دستگاه قدرت) در طرح (C88)، نقش رسانه‌ها و حذف صداها (C91)
سلب مالکیت و بیرون‌رانی	اعمال فشار برای جابه‌جایی (C3)، استراتژی زخمی کردن بافت برای بیرون‌رانی (C2)، کم‌رنگ کردن سکونت در محله و محله‌زدایی (C4)، نشانه‌گذاری محله توسط دانشگاه، نشانه‌دار کردن وضعیت (C5)، قدرت و زور (C6)، دادن کلنگ دست مردم-شعار مشارکت (C7)، ایجاد شرایط قهری و سلب مالکیت (C8)، باقیمانده‌های توسعه (C36)، بی‌صدایی مردم (C17)، ظالمانه بودن اساس طرح (غیرانسانی) (C20)، رسوایی اهداف طرح (C21)، نداشتن قدرت و کنترل بر روی فضای زیست (عدم وجود فضای مداخله مردم) (C32)، نارضایتی جابه‌جاشدگان و طرد اجتماعی (C35)، ارزش‌گذاری زیر قیمت (C37)، بی‌توجهی و سوءاستفاده از درماندگی برای خرید ملک (سوژه مغلوب و قربانی) (C41)، ناامنی (C44)، عدم وجود امکان ساخت‌وساز (C45)، متضرر شدن کسبه (C46)، خوابگاه‌ها و خوابگاهی شدن محله (C55)، حذف خدمات (C56)، مسئله مالکیت (C66)، بی‌عدالتی (C75)، کنارگذاری و بیزاری از مردم (C80)
مقاومت محلی	مقاومت محلی (C9)، زیست در جنگ و بحران (C24)، صدا دار شدن مردم (کشف عاملیت‌ها) (C31)، جمعی بودن مسئله (C61)، نقش زنان در مقاومت محلی (C62)، کنشگران و دانشجویان و اساتید (C68)

پس از مراحل مختلف کدگذاری مفاهیم جمع‌آوری‌شده از میدان، نهایتاً مقوله‌های زیر که هر کدام سویه‌های مختلف منطق طرح توسعه دانشگاه تهران را نشان می‌دهند، حاصل گردیده‌اند. در ادامه هر کدام از مقوله‌ها که در اینجا به‌نوعی برساننده منطق توسعه محسوب می‌گردند، به تفصیل تبیین می‌شوند.

بحث و تفسیر

به‌منظور ترسیم فضای منازعه شکل‌گرفته پیرامون طرح توسعه دانشگاه تهران، می‌توان مختصاتی را در نظر گرفت که در آن به‌واسطه در هم تنیدگی عقلانیت آکادمیک و شبکه‌های قدرت، دانشی سر برمی‌آورد که خود را منادی نفع عمومی جا می‌زند. در واقع طرح توسعه دانشگاه با برآمدن از دل ایده‌هایی چون برندسازی شهرها برای کسب و کار بهتر، شهر خلاق، شهر دانش‌بنیان، شهر اطلاعاتی و ... که پیوندی وثیق با گفتار نئولیبرال دارد، سیاست‌های شهری مشخصی را در قالب خیر عمومی به بازار می‌آورد. این سیاست‌ها در قدم بعدی مابه‌ازایی فضایی پیدا می‌کند. هم‌زمان که دانش به‌واسطه این مجموعه سازوکارها شکل می‌گیرد، روابط قدرتی را نیز در اطرافش خلق می‌کند و یک نظام حقیقت را برای جا انداختن موضع گفتار مرکزی (یعنی ضرورت نوآر کردن شهرها و نقش حیاتی دانشگاه در این میان)، بدون توجه به اقتضائات وضعیت انضمامی گروه‌های اجتماعی در معرض طرح تولید می‌کند. از پس این فرآیند مسئله یا مجموعه‌ای از مسائل سر برمی‌آورند که با پیوند زدنشان به خیر عمومی در عقلانیت آکادمیک و با رسمیت بخشیدن به وسیله قانون، نیروها و روابط قدرت حول و حوش آن سروشکل می‌گیرند. این مختصات همان منطق توسعه است که مهر و نشان خودش را بر فضا حک می‌کند و این گفتار توسعه خنثی و بی‌طرف نیست.

خلاصه کلام این منطق آن است که: یا خلاق باشید یا بمیرید! (Dreher in Peck, 2005). یکی از وجوه اشتراک این فضا‌مندی توسعه، رویه‌های سلب مالکیت^۱ و مکانیزم

1. Dispossession

تبیین روابط قدرت در تهیه و اجرای طرح‌های...، رفیعیان و همکاران | ۶۵

برون‌رانی است. البته این سلب مالکیت به انضمام شبکه روابط قدرت، مقاومت‌هایی را از سوی جوامع و اهالی محله در پی دارد که در ادامه بنا بر مصداق‌هایی از مصاحبه‌ها تحلیل می‌شوند.

۱. گفتار آکادمیک

طرح توسعه دانشگاه تهران پیش و پس از تولدش، به واسطه گفتار آکادمیک و تخصص‌گرایی و عقلانیت آکادمیک پشتوانه‌اش به شکل‌های مختلف مشروعیت بخشی شده است. ضمن اینکه می‌توان همدستی دانشگاه، مدیریت شهری و نگاه تخصص‌گرایانه مشاور طرح را نشان‌دهنده سفارشی بودن این طرح و در مقیاسی فراتر سفارشی بودن دانش تلقی کرد. در رابطه با این موضوع در مصاحبه‌ها نشانه‌هایی وجود دارد که افراد در مورد دانش‌بنگاه^۱ بودن منطق توسعه بدان‌ها اشاره می‌کنند:

یعنی دانشگاه دکونی باز کرده. دنبال مرده می‌گرده. اسب مرده که نعلش رو دربیاره. دنبال آینه که ورته‌ها باهم دعوا بکنن. بعد یکی از ورته‌ها بگه می‌فروشم. اون بره بفروشه. این یکی مفت بخره. شما فکر می‌فرمایید هرچه اینجا خریده به قیمت خریده. تمامشو مفت خریده... (ساکن محدوده طرح توسعه دانشگاه تهران، ۱۳۹۸).

در واقع در سطح انضمامی این مفهوم می‌توان به راه انداختن «دفتر طرح ساماندهی» اشاره کرد. اما در سطح انتزاعی می‌توان به پشتوانه نظری‌بنگاهی شدن دانش اشاره کرد که به‌نوعی برگرفته از اقتصاد بازار آزاد است، چنانچه که در مبانی طرح توسعه عبارات زیر مؤید این ادعاست:

۱- اصطلاح دانش-بنگاه مفهومی است که از یک طرف به فرایندهای کالایی‌سازی دانش و از طرف دیگر پیوند یافتن دانشگاه با منطق بازار اشاره دارد. در همین راستا امروزه دانشگاه‌ها بیش‌ازپیش از اصل ۳۰ قانون اساسی که بر تأمین آموزش‌های رایگان در جامعه تأکید داشته، دورتر شده و به سمت شکل‌های مختلفی از مواجهات بازاری (انواع شهریه‌های آموزشی، تغییر ظرفیت‌های آموزشی، الگوهای توسعه فضایی و غیره) حرکت می‌کنند. متناسب با چنین مواجهه‌ای است که هر کدام از دانشگاه‌ها به شیوه‌های مختلفی به فکر درآمدهایی و بیشینه‌سازی سود خودشان هستند. در این میان یکی از مسیرهای درآمدهایی، انواع طرح‌های توسعه بوده که چنانکه بیان شده به انواع سلب مالکیت‌ها و برون‌رانی‌ها منتهی می‌گردد (در این باره بنگرید به نشست «نقد اجتماعی کالایی شدن دانش» که در آذرماه سال ۱۳۹۵ در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی برگزار شده است).

- طرح "دانشگاه به‌عنوان توسعه بخش" (university as a developer)
 - ضرورت ارزش‌آفرینی و ایفای نقش کارآفرینی جهت قرار گرفتن دانش به‌عنوان مهم‌ترین منبع تولید ثروت (مهندسان مشاور صفامنش و همکاران ۱۳۹۶).
- همان‌طور که تخصص‌گرایی مبتنی بر سلب صلاحیت سخن از سوژه‌های فاقد دانش را می‌توان به‌این ترتیب که در مصاحبه‌ها مردم اشاره می‌کنند، نشان داد:
- ما تا می‌ایم حرف بزیم، می‌گن شما نمی‌فهمید. یا شما سواد ندارید. (ساکن محدوده طرح توسعه دانشگاه تهران، ۱۳۹۸).

به‌طور کلی چنانچه بخواهیم آثار گفتار آکادمیک را در محدوده طرح توسعه دانشگاه تهران جمع‌بندی کنیم می‌توان به پنج دسته زیر اشاره نمود:

۱) تخصص‌گرایی، دانش چندپاره و عدم اتصال فهم وضعیت به امر کلی: گفتار آکادمیک و علوم مدرن با چندپاره کردن دانش و تکه‌تکه کردن آن امکان فهم مسائل به‌صورت یک کل یکپارچه را ناممکن می‌کنند. همان‌طور که هانری لوفور اشاره می‌کند: هر تخصصی فضای خاص ذهنی و اجتماعی‌اش را مشخص می‌کند، آن را تا حدودی به‌طور دلخواه تعریف می‌کند، از آن کلی که «طبیعت/جامعه» ایجاد کرده‌اند آن را می‌برد و جدا می‌کند، و درعین حال بخشی از این فعالیت تقسیم و تغییر دخیل در این روش (تقسیم کردن یک «رشته»، جمع کردن گفته‌ها و مدل‌های تقلیل یافته مربوط به آن رشته، و جابجایی از ذهنی به اجتماعی) را پنهان می‌کند.

۲) تلطیف خشونت توسعه به شکلی ایدئولوژیک با اتصال به امر خیر و عام: کارکرد دیگر گفتار آکادمیک تلطیف خشونت منطق توسعه با توجیه خیر بودن آن است، چنانچه که در مصاحبه‌ها اشاره می‌شود.

این طبیعیه بالاخره و کلاً تغییر و تحوله داره خیلی طبیعی اتفاق می‌وفته که در گرونی توی مرکز شهرها همیشه اتفاق می‌افتاده و بالاخره همیشه یه عده قربانی این تغییرات بودن... (مصاحبه‌شونده موافق طرح به نقل از دانشجوی دانشگاه تهران، ۱۳۹۸).

تبیین روابط قدرت در تهیه و اجرای طرح‌های...، رفیعیان و همکاران | ۶۷

۳) تولید مسئله‌ها به واسطه تولید امر خیر برای مردم: دانش مدرن متناسب نیاز گردش سرمایه در محیط مصنوع دست به کار تولید مسئله و تولید امر خیر برای عموم می‌شود. چنانکه که پاسخ دانش به سرمایه این است، نگران توجیه نباشید، امر خیر متولد می‌شود، شهر سبز، شهر هوشمند و کارآفرین نیاز همگان است:

امیدواریم سناریویی که حاصل توافق همه ذینفعان هست، محقق بشه. مکاتباتی که از مؤسسات مختلف به دبیرخانه ما رسید، درمجموع آنچه که به نفع این مسئله نیست برخوردار احساسی با موضوع است. دوستان دانشگاه تهران، انجمن‌ها و سایر نهادها، باید به ما کمک کنند که ماهیت این رویکرد احساسی رو به یک ماهیت کارکردی تبدیل کنیم. و این موضوع اصلاً نیاز به برخوردار احساسی نداره. ما باید بینیم بهترین سناریو برای اینجا کدومه... (نماینده دبیرخانه شورای عالی معماری و شهرسازی، ۱۳۹۷).

۴) گره زدن طرح توسعه به آینده مطلوب شهر تهران و کل کشور: یکی از ضرورت‌های مطرح شده به عنوان امر خیر مقایسه تهران با شهرهای جهان (دیگری بزرگ) و تولید فقدان و هم‌زمان تولید امر خیر است:

همه جای دنیا الآن شرکت‌های کارآفرینی و دانش‌بنیان دارن در کنار دانشگاه کار می‌کنند. ما با ایجاد شرکت‌های کارآفرین و پارک‌های علم و فناوری زمینه‌های توسعه تهران رو هم فراهم می‌کنیم... (از مسئولین طرح، ۱۳۹۸).

۵) پیوند دادن طرح توسعه به یک ضرورت اجتماعی و اقتصادی: این طرح باعث میشه وضعیت کل کشور ما از نظر دانش و فناوری خیلی بالا بره. و با این توجیه دانشگاه از طرح توسعه به عنوان یک ضرورت اجتماعی دفاع می‌کند.

از همین زاویه تحلیلی می‌توان گفت نقد جدی وارده به عقلانیت آکادمیک این است که به واسطه تکیه بیش از حد بر امر خاص از فهم کلیت بازمی‌ماند. یعنی نمی‌تواند امر کلی حاکم بر امر خاص را توضیح دهد. نمی‌تواند از ساختارها و سازوکارهای اجتماعی تعیین‌کننده که امور خاص و تکین هم تا حدی در پرتو آنها توضیح پذیرند، شناختی به

دست بیاورد. اما شاید نمی‌تواند هم تخفیف در وضعیت و به‌نوعی تسامح در تحلیل باشد، چرا که باید گفت این شکل از فروگاهی و مواجهه رسالت این نوع دانش است.

۲. شبکه‌های قدرت

از دیگر مقوله‌های مستخرج از کدها شبکه‌ها و روابط قدرت حول وحوش طرح است. چنانکه اشاره می‌شود، دستگاه قضایی، دولت بوروکراتیک و مدیریت شهری گویی که در این طرح همدستاند و در مقابل همه اینها مردم بی‌صدا قرار دارند. همان‌طور که در مصاحبه‌ها گفته می‌شود:

کارشناسان دادگستری و مشاوران حقوقی طرح از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌اند، هیئت‌امنا دانشگاه از سیاسیون و دولتمردان‌اند و در مدیریت شهری نیز نفوذ دارند. (ساکن محدوده طرح، مشابه روایت مطرح‌شده در گروه‌های فعالین، دانشجویان، ۱۳۹۸).

در حقیقت آن طرحی که به پشتوانه گفتار آکادمیک تولیدشده، به‌واسطه شبکه‌های قدرت تحکیم می‌شود. گویی به‌واسطه قانون نوعی از مشروعیت به طرح داده می‌شود. همان‌طور که طرح از انواع مصوبه‌ها توسط دستگاه‌های مختلف برای مشروع جلوه دادن خودش استفاده می‌کند، هم‌زمان به‌واسطه فرایند مشروعیت یافتن به‌مثابه یک نظام حقیقت بازتولید شده و در نهایت با مستقر شدن در قالب طرح، مابه‌ازای فضایی پیدا می‌کند. ازجمله موضوعاتی که در این مقوله وجود دارد متنازع و شکافی است که در ساحت سیاست‌گذاری وجود دارد، همان‌طور که در مصاحبه‌ها به نقش و رابطه دولت‌ها با طرح‌های توسعه اشاره می‌شود:

رئیس دانشگاه و رئیس دفتر ساماندهی و همه اینها، روی آینه که تا این دولت هست ما باید کارو تمام کنیم. چون می‌ترسن که این دولت بره، دولت بعدی ممکنه حمایت نکنه از طرحشون... (ساکن محدوده طرح توسعه دانشگاه تهران، ۱۳۹۸)

۳. منطق توسعه

از دیگر مقوله‌های موجود در رابطه با طرح توسعه دانشگاه تهران، منطق توسعه‌ای است که در محدوده طرح کار می‌کند. یکی از اصلی‌ترین موضوعات در این منطق که در این طرح دیده می‌شود خشونت‌ی است که متوجه نیروهای مردمی است، چنان‌که مردم به‌عنوان معارضینی در برابر ماشین توسعه قلمداد می‌شوند و به شکل سلسله مراتبی در معرض اعمال قدرت و سلطه قرار می‌گیرند:

بعضی وقتا انگشت پات مثلاً زخمی میشه هیچ چاره‌ای نیست جز اینکه این انگشت رو قطع بکنی این جام همونه... (مشاور طرح توسعه دانشگاه تهران، ۱۳۹۶ به نقل از صدیقی، ۱۳۹۸).

.. دانشگاه مثلاً ۸۰ درصد راه رو تا الان اومده شما نمیتونید یه ماشین بزرگ سنگینی که ۸۰ درصد راه رو اومده به عقب برگردونید... (استاد دانشگاه و معاون شهرسازی و معماری وقت شهرداری تهران، ۱۳۹۷ به نقل از صدیقی، ۱۳۹۸).
من گفتم آقای دکتر مردم دارن زیر چرخ این ماشین له میشن. نمیشه که نگه ندارین. بعد از اونجا هم بعداً مشاور طرح گفته بود که ما رو دیگه به این جلساتی که در شان علمی ما نباشن همه، دعوت نکنین... (ساکن محدوده طرح توسعه دانشگاه تهران، ۱۳۹۷)

ببینید همیشه طرح‌های بزرگ، جراحی‌های بزرگ شهری‌اند که تنش‌های زیادی با خودشون دارن. شما در طرح نواب تنش‌ها رو ندیدید؟ در ساخت مال‌های بزرگ این تنش‌ها رو ندیدید؟ ولی یک جراحی بزرگ رو داره انجام میده. (استاد دانشگاه و رئیس وقت پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران، ۱۳۹۷)

در چارچوب این منطق به گونه‌ای ارباب رعیت مابانه با مردم رفتار می‌شود و مردم چه به شکل عیان و چه به شکل ایدئولوژیک فریب داده می‌شوند و همه این موضوعات به واسطه گره زدن این منطق به خیر عمومی، خشونت آن را طبیعی سازی می‌کنند:

بالاخره یک جراحی بزرگ، خونریزی هم داره دیگه... (مسئولین طرح، ۱۳۹۷)
آمارهای متعددی داده میشه برای اینکه مردم را بترسوندن و اونها فکری بکنند

برای رفتن از محدوده. موضوع دیگه موضوع یکسان‌سازی فضاها در این منطق است که چطور مابقی دانشگاه‌ها هم به فکر توسعه می‌افتند. (فعال شهری، ۱۳۹۸)

بهره‌برداری ایدئولوژیک از آمار برای مرعوب کردن مردم، برون‌رانی آنها و یکسان‌سازی فضاها در این فهم از توسعه از دیگر ویژگی‌های این منطق است. به‌عنوان مصداقی از این یکسان‌سازی فضاها، تلاش سایر دانشگاه‌ها برای تدوین طرح‌های توسعه است از جمله این موارد می‌توان به طرح جامع پردیس شماره ۲ دانشگاه علامه طباطبایی در سال ۱۳۹۷ و طرح توسعه دانشگاه الزهرا در سال ۱۳۹۷ اشاره کرد.

این طرح و منطق توسعه از ایده پیشرفت و جهانی‌گرایی بهره می‌برد و مسئله‌ای که وجود دارد این است که این منطق کار نمی‌کند مگر اینکه بتواند سوژه‌های خودش را تولید کند، چه سوژه‌های دانشگاهی و چه مردم، چنان‌که می‌تواند زبان مردم را تصرف کند و می‌توان دید مردم گاهی همان موضعی را می‌گیرند که مدیریت شهری اتخاذ می‌کند، در همین معناست که گاهی مشاهده می‌شود که در محله دانشگاه تهران نیز مردم همان ستمی را به کارتن‌خواب‌هایی که به محدوده‌شان می‌آیند روا می‌دارند که دانشگاه تهران به آنها روا می‌دارد. در این معناست که به قولی می‌توان گفت:

قدرت به یک اندازه از بدن حاکم و محکوم می‌گذرد (فوکو، ۱۳۷۸).

اما موضوعی که منجر به یک افتراق فهم از توسعه در گفتار غالب و گفتار انتقادی می‌شود، مسئله اقتصاد طرح است. اینکه فضا چطور در این طرح توسعه کالایی سازی می‌شود و محدوده چگونه تجاری‌سازی می‌شود و چطور خانه و سرپناهی که برای مردم به‌مثابه ارزش مصرفی^۱ عمل می‌کند برای متولیان طرح به‌عنوان ارزش مبادله‌ای^۲ در نظر

۱- Use Value ارزش مصرفی یکشی به‌مثابه یک کیفیت غیرقابل تعویض با شیء دیگری، فقط با استفاده یا با مصرف

تحقق می‌یابد. {ارزش مصرفی} در واقع محتوای مادی ثروت را، صرف‌نظر از شکل اجتماعی‌اش، تشکیل می‌دهد.

۲- Exchange Value: ارزش مبادله‌ای همچون رابطه‌ای کمی و نسبی ظاهر می‌شود که بنا بر آن، نوعی ارزش

مصرفی با نوع دیگری از آن مبادله می‌شود. این رابطه پیوسته با زمان و مکان تغییر می‌کند. (مارکس، ۱۳۹۴: ۶۶)

ارزش از نظر مارکس تابع کار انسانی است، محصول کار در تمامی حالات اجتماعی شئی مصرفی بوده است، اما در دوره‌ای مشخص (نظام اجتماعی-اقتصادی مدرن) از تکامل خود، کار صرف شده در شئی مصرفی همچون خصوصیت

تبیین روابط قدرت در تهیه و اجرای طرح‌های...، رفیعیان و همکاران | ۷۱

گرفته می‌شود. چنان‌که به‌عنوان نقل‌قولی مرتبط با این مضمون شهردار وقت منطقه ۶ شهرداری تهران در گفتگویی با اهالی محله وصال از تجربیات اجرایی خود در منطقه ۱۴ در قیاس با اجرایی کردن طرح توسعه دانشگاه تهران، از خانه و سرپناه مجاورین بزرگراه امام علی به‌عنوان جعبه‌های سیمانی معارض یاد می‌کند:

...من هم تو منطقه ۱۴ و هم ۱۲ که بودم. در منطقه ۱۳ و ۱۵ هم بودم. من خیابون پیروزی رو که ۳۵ سال بسته بود، ظرف ۲ سال باز کردم. من بهشون گفتم شما این کاره نیستید. با روش خودم باز کردم. ما حدود ۱۰ هزار پلاک معارض رو در امام علی خریدیم. ده هزار. اینجا (محدوده طرح توسعه دانشگاه تهران) که چیزی نیست... (شهردار وقت منطقه ۶ شهرداری تهران، ۱۳۹۸)^۱

۴. سلب مالکیت و برون‌رانی

در محدوده طرح توسعه به شکل‌های مختلف برای جابه‌جایی اعمال فشار می‌شود، محله به شکل‌های مختلف توسط دانشگاه تهران نشانه‌گذاری می‌شود: به‌واسطه صاف کردن و تغییر کاربری فضاهای تملک شده به پارکینگ، زدن رنگ سبز دانشگاه به نرده‌های محدوده‌های تملک شده، استراتژی زخمی کردن بافت برای برون‌رانی با تملک دندانه‌ای و نیمه‌کاره آپارتمان‌ها و به‌طور کلی بافت، خوابگاهی کردن بافت محله، ارزش‌گذاری زیرقیمت، کم‌رنگ کردن سکونت و به‌طور کلی محله زدایی، عدم وجود امکان ساخت‌وساز، متضرر نمودن کسبه و... همه اینها گویی یک شرایط قهری را برای خروج و برون‌راندن مردم فراهم می‌کند.

عینی آن شئی، یعنی همچون ارزش آن بازنموده و محصول کار به کالا بدل می‌شود. ازاین‌رو همه‌چیزها (زمین، آب، خاک و...) تبدیل به کالا می‌شوند و در واقع به‌واسطه میسر شدن گردش در بازار، ارزش مصرفی مغفول مانده و ارزش مبادله‌ای آنها سنجیده می‌شوند. (برای توضیحات بیشتر نگاه کنید به جلد اول سرمایه مارکس: فرایند تولید سرمایه، پاره یکم: کالا و پول، فصل اول: کالا)

۱- در اینجا شهردار وقت به پروژه احداث بزرگراه امام علی از دهه ۶۰ تا اوایل دهه ۹۰، اشاره دارد که بیش از ۷۰۰۰ خانه به‌مثابه، فضاهای معارض طرح تلقی شده و بدین واسطه تملک و تخریب شده‌اند.

شرط فهم مقوله سلب مالکیت، فهم مالکیت است، آن هم زمانی که مالکیت صرفاً با مالکیت خصوصی مبتنی بر اخلاقیات نتولیرال فهمیده نشود (هاروی و مریفیلد، ۲۹: ۲۰۰۸). آن زمان فرایندی که در آن مردم بی‌صدا می‌شوند و صدایی در برابر شبکه قدرت ترسیم شده ندارند همان سلب مالکیت است. در واقع چنانکه بتوان مالکیت را به معنای کنترل داشتن بر فضا و امکان تصمیم‌گیری در مورد آن بدانیم، می‌توان ناتوانی و فقدان هر قدرتی برای مردم در هرگونه تصمیم‌گیری را دید. مردم به انواع و اقسام اشکال به این سلب مالکیت اشاره می‌کنند:

شما وقتی تو به ساختمانی هستین ۶ واحدش با سروصدا میز بکشین میز بیارن ارباب رجوع بیاد و بره شما ۴ تا مسکونی اونجا باشین میگین من ۱۰ تومنم میدم ۵ تومن که از اینجا در برم، اینجا منتظر همچین فرصتی هستن که مردم رو خسته کنند مردم از این حق مالکانشون و حقوقشون بگذرنند تا خودشون هم بنگاه داریشون رو بکنند.

خداشاهده من مکتوب متن اون خانمی که خونه ش رو با فشار فروخت دارم. اون نوشت که ما راضی نیستیم. می‌گفت ما اوراق رو قبول کردیم، ولی راضی نیستیم.

خدا به من کمک کنه. اینجا خونه منه و به جز اینجا جایی ندارم که برم. و دیگه هم نمیتونم مسکنی برای خودم تهیه کنم. یه خواهر مریض. خودم بیمار. خونه مون رو چرا با آزار و اذیت باید از مون بگیرم.

۵. مقاومت محلی

پس از اعلان عمومی طرح و پس از ارتباط گرفتن مردم با یکدیگر و با دانشجویان، آن‌ها عاملیت‌هایشان را کشف می‌کنند و مسئله‌ای که پیش از آن به‌زعم خودشان مسئله‌ای فردی بود تبدیل به مسئله‌ای جمعی می‌شود. همان‌طور که یکی از خانم‌های فعال در اعتراض محلی می‌گوید:

پیش از این جلسات عمومی مردمی من فکر می‌کردم این مسئله، مسئله منه ولی

تبیین روابط قدرت در تهیه و اجرای طرح‌های...، رفیعیان و همکاران | ۷۳

بعد از اون برای من خودآگاه شد که این یک مسئله جمعی است...

مردم به این موضوع اشاره می‌کنند که فضای طرح گویی برایشان فضای جنگ و منازعه هرروزه بوده است، یکی از کاسبان محله اشاره می‌کند:

من ۳۰ سال و به اندازه تمام سال‌های جوانی و میان‌سالی‌ام اینجا جنگیدم و اگر لازم باشه، ۳۰ سال دیگه هم خواهم جنگید...

در مقابل نگاه سیاست‌های شهری و طرح‌های توسعه مستخرج از آنها به مردم به‌مثابه معارض، توده‌های شهری با عناوینی چون زیست غیررسمی، سایه‌های شهری، شهروند شورشی، شهرهای کینه‌توز در منابع توصیف می‌شوند. در اینجا است که می‌توان مفهوم قدرت و مقاومت را به‌مثابه امری زایا و محلی، و نه سرکوبگر و سلسله‌مراتبی، که امکاناتی واقعی برای عاملیت و تغییر در بردارد، در نظر گرفت. در واقع همین روایت از قدرت است که می‌تواند امکان‌های فضایی را برای رسیدن به وضعیتی که در آن سیاست ورزی ممکن گردد، باز کند.

در پیوند همه این مقوله‌ها با هم باید گفت طرح‌های توسعه شهری در پیوند با هم و در گفتار آکادمیک و به پشتوانه دانش تولید می‌شوند. به‌واسطه شبکه‌های قدرتی که حول و حوش آن شکل می‌گیرند مشروعیت بخشی و تحکیم می‌شوند و می‌توانند آن منطق توسعه‌ای که پشتشان هست و اتفاقاً غیرسیاسی نیست را بازتولید کنند. منطق توسعه مذکور در کوچک‌ترین سطحش در طرح‌های توسعه شهری است که فضا مندرج شده و غالباً منجر به سلب مالکیت‌هایی می‌شود.

طرح به انواع و اقسام اشکال منجر به برون‌رانی‌هایی می‌شود. اگر برون‌رانی تنها افقی و در فضای جغرافیایی در نظر گرفته نشود، می‌توان گفت این نوعی از برون‌رانی در ساحت تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری هست. همان‌طور که مردم مدام از همه قلمروهای برنامه‌ریزی کنار گذاشته می‌شوند. همان‌طور که ممکن است هر لحظه برای جایی که ما زندگی می‌کنیم طرحی در نظر گرفته شود. همان‌طور که مردم در طرح توسعه اشاره می‌کنند:

ما در محدوده دانشگاه تهران در حصار چندین و چند طرح اسیر شده‌ایم، از طرح توسعه گرفته تا طرح ترافیک و... (کسبه و ساکن محدوده طرح توسعه دانشگاه تهران، ۱۳۹۸)

در مقابل این سلب مالکیت‌ها میدان پژوهش وجود شبکه‌ای از مقاومت‌های محلی را متذکر شد. چنانکه دیدیم مردمی که به مثابه معارض در مقابل طرح توسعه دانشگاه قرار گرفته بودند، به اشکال مختلف خودشان را سازماندهی می‌کنند. در اینجا می‌توان معنای این جمله را که هرجایی که قدرت وجود داشته باشد، مقاومتی شکل می‌گیرد، درک کرد. در اینجا پرسشی که مخاطب خواهان پاسخ به آن است این است که چطور می‌شود به فضای بدیل/جایگزین رسید و فضای بدیل چگونه فضایی است؟

در پاسخ به این پرسش باید از دو گانه‌ای که با آن بحث آغاز شد، فضا در گفتار غالب و فضا در گفتار انتقادی استفاده شود و اشاره شود که فرق فضای متفاوت و بدیل بیش از اینکه به فضا به مثابه کالبد و فضا به عنوان یک ظرف اشاره داشته باشد و این پرسش که کالبد فضا چطور باید ساخته شود، بیشتر و پیش‌تر به منطق اقتصادی و سیاسی مسلط بر آن است که ارجاع می‌دهد. در حقیقت با دست گرفتن این منطق است که می‌توان فضا را ساخت و فضایی متفاوت را در فهم انتقادی آن رقم زد. یعنی با فراهم کردن شیوه‌های زیست اجتماعی بدیل در انواع اشکال زیست جمعی است که می‌توان فضایی بدیل را متصور شد.

در واقع اگر برای توصیف مراحل تحقق این نوع از فضا از ابزار نردبان مشارکتی ارنشتاین استفاده شود و مطالبه‌گری در آن دستگاه لحاظ گردد، می‌توان گفت در طرح توسعه دانشگاه تهران گام‌های اول این مطالبه‌گری مبتنی بر نفی وضع موجود است، یعنی مردم آن نظام حقیقتی که طرح تولید کرده است را نفی می‌کنند و از آن سرباز می‌زنند. در گام بعد علاوه بر اینکه در برابر این نظام حقیقت ایستادگی می‌کنند، سعی می‌کنند خودشان نظام حقیقت متفاوتی را شکل دهند و خواست‌های خودشان را در برابر آن خیر عمومی که برایشان در نظر گرفته شده جا بیندازند.

در گام سوم علاوه بر تلاش جمعی بر تولید نظام حقیقت، گویی بایستی این نظام حقیقت را به گونه‌ای فضامند ساخت که افراد بتوانند کنششان را دارای مختصات فضایی نمایند. فراتر از انضمامی کردن کنش و گام بعد قائل به منازعه بودن در این فضای متفاوت است، ساختن فضایی که فضای منازعه است و در آن سیاست ورزی ممکن می‌شود. چراکه بدون تحقق این گام باید گفت کنش همان مسیر یک طرفه‌ای است که از سلطه‌ای به سلطه دیگر می‌انجامد.

نتیجه‌گیری

به منظور جمع‌بندی بحث اولین قضیه قابل توضیح همبستگی شبکه‌ها و روابط قدرت در بازتولید منطق توسعه است. چنانچه برای فهم طرح‌ها و برنامه‌های توسعه شهری از مفهوم نظری همبسته قدرت/دانش استفاده شود، می‌توان گفت که دانش تنها با مجموعه‌ای از گزاره‌ها شکل نمی‌گیرد؛ بلکه اهداف، ابزارها، کردارها، برنامه‌های پژوهشی، مهارت‌ها، شبکه‌های روابط اجتماعی و نهادها و طرح‌ها و برنامه‌های توسعه، نیز در آن دخیل هستند. در یک چنین حوزه معرفتی است که روابط و شبکه‌های قدرت یکدیگر را تحکیم و تقویت می‌کنند و هم‌زمان با تولید دانش، نظام‌های حقیقت خود را می‌سازند.

درواقع همان‌طور که بررسی طرح توسعه دانشگاه تهران به ما نشان داد که اهداف طرح با نگاهی تخصص‌گرایانه و در دستگاه عقلانیت آکادمیک تولید می‌شود و در آن نگاه ضمن کالایی سازی دانش، تمامی مفاهیم از جمله فضاهای شهری نیز به مثابه یک کالا انگاشته می‌شود. شهر و دانشگاه به عنوان یک بنگاه اقتصادی می‌بایست رقابت‌پذیر باشند، می‌بایست با ایده‌های نوآورانه جاذب طبقه خلاق باشند.

در این دستگاه تولید حقیقت نیروهایی چون مدیریت شهری، دستگاه قضایی^۱، دولت بوروکراتیک و دانشگاه نیز در یک پیوند منسجم یکدیگر را تائید می‌کنند و به واسطه طرح‌ها و برنامه‌های شهری گفتار کالایی سازی فضا را منعکس می‌کنند و انواع مصوبه‌ها و قوانین نیز به آن‌ها قدرت می‌بخشند. در محدوده طرح توسعه، هیئت‌انای دانشگاه کسانی اند که در ساختار قدرت انواع منصب‌ها و موقعیت‌های نمادین را دارند و مشاوران حقوقی دولت، هیئت‌علمی‌های دانشگاه هستند. مشاورین طرح دانشگاهیان هستند و از همین رو می‌توان دید آنچه را که جین هیلیر سایه‌های قدرت^۲ می‌نامد چگونه در این محدوده کار می‌کند تا فضا را با نام‌های برجسب خورده از آن خود کنند.

اما در میان تمام این روابط مسئله‌ای که ساکنان محدوده طرح به آن اشاره می‌کنند بی‌اعتباری عقلانیت آکادمیک، پی بردن به عدم ارتباط طرح‌ها با زیست ساکنان و کارکرد ایدئولوژیک قانون است. قضیه دوم تبیین کارکرد طبیعی ساز، خشونت‌آمیز، یکسان‌ساز و تمامیت‌خواه منطق توسعه است که در خدمت منطق اقتصادی مسلط قرار دارد. این منطق ساکنان محدوده را به‌مثابه موانعی در برابر ماشین توسعه می‌بیند و می‌خواهد خیر و منفعت آن‌ها را با نگاهی غیرمشارکتی در شهر تولید کند. بخش دیگری از این منطق آنجاست که وضعیت غیرطبیعی را به شیوه‌های مختلف طبیعی می‌سازد، آنجایی که حقیقت برساخته می‌شود و امر خیر در دستگاه قدرت/دانش باز تولید می‌شود، این مسیر طبیعی سازی توسعه چنان پیش می‌رود که ایده پیشرفت و جهانی‌گرایی به ایده مسلط منطق توسعه تبدیل می‌شود.

۱- دستگاه قضایی به‌مثابه یکی از نیروهای دخیل در مواردی چون: موضوع شکایت ساکنین محدوده نسبت به طرح توسعه به دیوان عدالت اداری، بحث قیمت‌گذاری خانه‌های ساکنین توسط کارشناسان رسمی دادگستری، نقش و کلا و قضات درگیر در پرونده‌های حقوقی تشکیل شده در خصوص اعتراضات و شکایات اهالی ایفای نقش می‌کند.

۲- در این باره نگاه کنید به کتاب سایه‌های قدرت؛ حکایت دوراندیشی در برنامه ریزی کاربری اراضی اثر جین هیلیر، ترجمه کمال پولادی (۱۳۸۸)، ناشر جامعه مهندسان مشاور ایران.

این منطق از آنجایی که تمامی فضاها و وضعیت‌ها را در یک موقعیت رقابتی قرار می‌دهد، هم‌زمان آن‌ها را به‌نوعی یکسان‌سازی نیز فرامی‌خواند. همچون بحثی که در رابطه با فضاهای تبعیض‌آمیز یا اثرات شهری شدن به آن اشاره می‌کنند. روشن شد که منطق مذکور مادامی که زبان و سوژه‌های خودش را تولید نکند، فضا ماند نمی‌شود، از همین روست که می‌توان دید این اعمال فشار هم‌زمان که توسط دستگاه حاکمیت بر فضاهای در معرض توسعه وارد می‌شود، توسط خود سوژه‌های در معرض توسعه نیز اعمال می‌شود.

در مورد محدوده طرح مواضع ساکنان نسبت به یکدیگر یا نسبت به بیخانمان‌های پناه برده به محدوده یا نگاه تقلیل‌گرایانه سوژه‌های دانشگاهی در تحلیل وضعیت و همدستی‌شان با طرح، مؤید تثبیت نظام حقیقت تولید شده است که اکنون توسط خود مردم در فضا فرود می‌آید. این نوع از یکسان‌سازی نیازمند نوعی از فراموشی است، چنانکه منطق توسعه با این فراموشی کار می‌کند و چرخ‌هایش را به حرکت درمی‌آورد. در حقیقت ماندگاری خشونت این منطق به‌واسطه پاک‌سازی حافظه شهرها پیش می‌رود.

منطق رقابت فضایی که از آن به‌عنوان تخریب خلاق نیز یاد می‌شود، مدام در حال تولید فضاهای جدید است. از همین رو تمامی معناها و حافظه‌ها را پاک می‌کند تا بتواند به شکل خلاقانه‌تری از نو بسازد. این کارگزاران فراموشی جدید را می‌توان با منطق سرمایه و اقتصاد بازار آزاد فهمید. چراکه سرمایه برای چرخش خود مدام مستلزم تولید عرصه‌های جدید برای ورود است و از این رو هرچه در مسیرش باشد به بیرون پرتاب می‌کند و اولین آن نوعی حافظه زدایی است. در محدوده طرح توسعه دانشگاه تهران دیدیم که چگونه طرح جدید دیگر به شکلی صریح و عیان به‌ضرورت درآمدزایی دانش و دانشگاه و شهر اشاره می‌کند.

در این فهم است که تمامی فضاها به کالایی بدل می‌شوند که در آن تجربه‌های زیسته افراد و خاطره‌ها و مهم‌تر از آن حکم سرپناه بودن آن فضا (خانه) به‌عنوان ارزش مبادله‌ای درک می‌شود و از بودجه و از قیمت‌گذاری در مقابل معیشت و سرپناه حرف زده می‌شود. در اینجاست که می‌توان گفت آنچه در این بازتولید منطق توسعه توسط گفتار آکادمیک و

شبکه‌های قدرت اتفاق می‌افتد انواع مختلفی از سلب مالکیت‌ها و برون‌رانی‌هاست. چنانچه مالکیت را با فهم تقلیل‌گرایانه به‌مثابه مالکیت خصوصی تلقی نکنیم می‌توان از نداشتن کنترل مردم محدوده طرح بر روی آنچه از آن به‌عنوان خانه نام‌برده می‌شود یاد کرد. در حقیقت مسئله اصلی اینجا فقدان وجود قدرت و اراده تصمیم‌گیری در مورد فضای زندگی و نوعی از آن خودسازی و قلمروسازی است.

این قدرت تصمیم‌گیری با بی‌صدا کردن مردم، در مقابل دستگاه قدرت از آنها سلب مالکیت می‌کند. در این فرایند ساکنان موجود در محدوده طرح توسعه در مقام وضعیت انضمامی و خاص با ارجاع دادن به امر عامی به نام خیر عمومی و شهروندان شهر، به‌مثابه باقیمانده‌های منطق توسعه کنار گذاشته می‌شوند. در اینجا می‌توان به تضاد و تقابلی که میان امر عام و خاص متولد می‌شود اشاره کرد. تبیین نظری آلترناتیو ضروری است که پیوند امر عام و خاص را به‌گونه‌ای دیالکتیکی در نظر آورد. در غیر این صورت در دام تحلیل‌های تقلیل‌گرایانه می‌افتیم که یکی را به نفع دیگری از میان برمی‌دارد.

در محدوده طرح توسعه نیز شاهد این هستیم که همواره بر امر کلی‌ای به نام توسعه شهری، پیشرفت زیرساخت‌های آموزشی کشور، پیشرفت پایتخت کشور و غیره اشاره می‌گردد. هرکدام از مفاهیم با ارجاع به امر کلی توسعه، وضعیت انضمامی گروه‌های اجتماعی در معرض طرح را به‌گونه‌ای صورت‌بندی می‌کند که نهایتاً به پاک‌سازی و از میان برداشتن زیست آن‌ها منتهی می‌گردد. چنین ارجاعاتی به امر کلی در بسیاری از گفتارهای توسعه به چشم می‌خورد و می‌توان مصداق‌های فراوانی در شهرهای مختلف کشور برای چنین مواجهه‌ای پیدا کرد.

از طرف دیگر تحلیل‌های موردی بدون در نظر داشتن وضعیت کلی، می‌تواند باعث انواع تقلیل‌گرایی‌ها و نهایتاً بازماندن از فهم کلیت گردد. در این وضعیت که نقطه ارجاع همواره یک وضعیت موردی و معطوف به فرد است، بیش از هرزمانی نقاط اتصال اجتماعی گروه‌های مختلف در فضا کم‌رنگ‌تر می‌گردد. در چنین وضعیتی دم و دستگاه‌های مرکزی منتفعین اصلی این شکاف موجود میان امر کلی و جزئی هستند.

ساکنان موجود در پیرامون دانشگاه تهران، از محدوده طرح توسعه با انواع اعمال فشارها به اشکال فشارهای روحی، جسمی، تهدید، ارباب و فریب و ایجاد شرایط قهری به بیرون رانده می‌شوند. در مقابل این سازوکار سلب مالکیت شبکه‌سازی‌های ساکنان محلی را شاهد هستیم که به واسطه سازوکارهای مختلف صدادار می‌شوند و نوعی اراده برای از آن خودسازی فضای زندگی‌شان به دست می‌آورند.

در حقیقت می‌توان گفت در اینجا مسئله نوعی منازعه بر سر فضاست، اگر این موضوع را در نظر داشته باشیم که هر شیوه تولیدی فضای خودش را می‌سازد می‌توان گفت در مقابل به دست گرفتن فضا توسط دم‌ودستگاه قدرت ساکنان محدوده نیز همواره مقاومت‌هایی را اعمال نموده‌اند تا فضای تصاحب‌شده را به دست بگیرند. در حقیقت هر شیوه تولیدی با انواع گوناگون سلب مالکیت‌ها همراه است و در شیوه مسلط تولید، شیوه سلب مالکیت به معنای گرفتن تمامی فضاهای تصمیم‌گیری و سلب تمامی اراده‌ها برای تغییر زندگی و فضای آن است.


در مقابل این تصویر ارائه‌شده آنچه می‌تواند وضعیت بدیل باشد نیز تنها از ساخت نوع خاصی از فضاست که با ساخت و بازیابی نوعی از اراده سیاسی ممکن می‌شود. اینکه بتوان مرکز را به‌مثابه مرکزیت تصمیم‌گیری به دست آورد و از این‌رو فضایی را ساخت که در آن روابط اجتماعی و فضایی مبتنی بر شمولیت ممکن می‌شود. در پایان مسئله‌ای که وجود دارد این است که کثرت تخصص‌های دانشگاهی موجود از جمله شهرسازی، معماری، برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری اغلب در دام این تله فضای در خود می‌افتند و مسئله را به‌نوعی از چگونگی ساخت کالبدی فضا تقلیل می‌دهند، پیش از آنکه به شهر به‌مثابه یک کلیت بیندیشند و در پی کشف تکثر نیروهای سیاسی و اقتصادی منجر به تولید این شکل از فضای مسلط باشند. این همان تداوم وضع موجود است، از همین رو باید خواهان فهم دیگری از شهر بود گرچه در تخیل یا بیرون از جایگاه‌های نمادین.

تعارض منافع
موردی گزارش نشده است.


سپاسگزاری
پژوهش حاضر توسط نهاد خاصی مورد حمایت قرار نگرفته است و توسط نویسندگان
به صورت مستقل تدوین شده است.

ORCID


Zahra Rahmati

 <http://orcid.org/0000-0002-7561-4539>

Mojtaba Rafieian

 <http://orcid.org/0000-0001-7371-7617>

Hashem Dadashpoor

 <http://orcid.org/0000-0002-2914-3668>



منابع

- اسمیت، نیل. (۱۳۹۰)، مرزبندی نوین شهری، بهسازی بافت شهری از راه اسکان جمعیت مرفه در شهرهای کینه‌توز، ترجمه: حسام زند حسامی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- هاروی، دیوید. (۱۳۹۵)، از حق به شهر تا شهرهای شورشی، ترجمه: خسرو کلاتری و پرویز صداقت، تهران: نشر آگاه، چاپ اول.
- هاروی، دیوید. (۱۳۹۷)، امپریالیسم جدید، ترجمه: حسین رحمتی، تهران: نشر اختران، چاپ اول.
- هاروی، دیوید. (۱۳۹۲)، شهری شدن سرمایه چرخه دوم انباشت سرمایه در تولید محیط مصنوع، ترجمه: عارف اقوامی مقدم، تهران: نشر دات، چاپ اول.
- هاروی، دیوید و مریفیلد، اندی. (۱۳۹۱)، حق به شهر، ریشه‌های شهری بحران‌های مالی، ترجمه: خسرو کلاتری، تهران: نشر مهر ویستا، چاپ اول.
- هیلیر، جین. (۱۳۸۸)، سایه‌های قدرت؛ حکایت دوراندیشی در برنامه‌ریزی کاربری اراضی، ترجمه: کمال پولادی، تهران: نشر جامعه مهندسان مشاور ایران، چاپ اول.
- رحمتی، زهرا؛ رفیعیان، مجتبی و داداش پور، هاشم. (۱۳۹۸)، تحلیل اثرات طرح‌های توسعه شهری بر زندگی شهروندان از منظر اعیانی سازی نمونه مطالعاتی طرح توسعه دانشگاه تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس.
- رفیعیان، مجتبی؛ یزدانیان، احمد و داداش پور، هاشم. (۱۳۹۶)، «صورت‌بندی انتقادی مسئله فضا، با تأکید بر فضای عمومی شهری؛ فضا چگونه از خلال روابط نیروها تولید و بازتولید می‌شود؟»، مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، سال دوم، شماره ۶: ۷۹-۱۰۸.
- گوناردنا، کانیشکا؛ کیفر، استفان؛ میلگرام، ریچارد و اشمید، کریستین. (۱۳۹۴)، فضا، تفاوت و زندگی روزمره، خوانش هانری لوفور، ترجمه: افشین خاکباز و محمد فاضلی، تهران: انتشارات تیسرا، چاپ اول.
- صدیقی، مائده. (۱۳۹۸)، بررسی و تحلیل روابط قدرت در نظام مدیریت شهری، نمونه موردی مداخلات بزرگ‌مقیاس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت شهری، دانشگاه تهران.
- فوکو، میشل. (۱۳۷۸)، مراقبت و تنبیه (تولد زندان)، ترجمه: نیکو سرخوش و افشین جهانانیده، تهران: نشر نی، چاپ اول.

تبیین روابط قدرت در تهیه و اجرای طرح‌های...، رفیعیان و همکاران | ۸۳

- کیچن، راب و تریفت، نایجل. (۱۳۹۷)، فضا، ترجمه: هومن حاجی میرزایی، سایت فضا و دیالکتیک.

- گاتدینر، مارک. (۱۳۹۷)، تولید اجتماعی فضای شهری، ترجمه: آیدین ترکمه، سایت فضا و دیالکتیک.

- مارکس، کارل. (۱۳۹۴)، سرمایه، نقد اقتصاد سیاسی، ترجمه: حسن مرتضوی، تهران: نشر لاهیتا. چاپ اول.

- مارکوزه، پیترو؛ کنولی، جیمز؛ نووی، جوهانز؛ اولیوو، اینگرید؛ پاتر، سوز و استیل، جاستین. (۱۳۹۲)، در جست‌وجوی شهر عدالت محور، ترجمه: هادی سعیدی رضوانی و محجوبه کشمیری، تهران: موسسه نشر شهر، چاپ اول.

- مریفیلد، اندی. (۱۳۹۷)، پنجاه سال با حق به شهر، ترجمه: علی عزیزی، سایت فضا و دیالکتیک.

- مهندسان مشاور صفامنش و همکاران. (۱۳۹۶)، طرح ساماندهی و توسعه پردیس مرکزی دانشگاه تهران و دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران: مهندسان مشاور صفامنش.

- واقفی، ایمان. (۱۳۹۵)، روش‌شناسی انتقادی در مطالعات شهر، تأملی روش‌شناختی در آثار هانری لوفور، سایت فضا و دیالکتیک.

- Harvey, David. (2014). "Cities or Urbanization". In *in Implosions/Explosions: Towards a Study of Planetary Urbanization*, by Neil Brenner, 52-66. Berlin: Jovis.
- Lefebvre, Henri. (1976). "Reflections on the Politics of Space", Translated by Michael J. Enders. *Antipode*, 8 (2): 30-37.
- Lefebvre, Henri. (1991). *The Production of Space*. Translated by Smith David Nicholson. Oxford and Cambridge: Blackwell.
- Levien, Michael. (2012). "Regimes of Dispossession: From Steel Towns to Special Economic Zones". *Development and Change*, 44(2), 381-407.
- MacLeod, Gordon and Jones, Martin. (2011). "Renewing Urban Politics." *Urban Studies*, 48(12), 2443-2472.
- Peck, Jamie, (2005). Struggling with the Creative Class. *International Journal of Urban and Regional Research*, 29(4), 740-770.
- Zieleniec, Andrzej. (2007). *Space and Social Theory*. SAGE Publications.